

راه توده

شهره‌داران حریصان در خراج از کشور

جمعه ۱ مهر ۱۳۱۲ مطابق ۱۰ ذیحجه ۱۴۰۳ و ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۶۰
پهلو: ۴۰ - رسال

قربانی کردن توده‌ایها، «راه حل» مسائل ودشواریهای انقلاب نیست!

اکنون بیش از ۷ ماه است که ولع ماره‌های جنبر زده بر این وان کتف جمهوری اسلامی از خون و زندگی توده‌ایها، فرو نشانده می‌شود

در روز شنبه ۵ شهریور ماه، مردم محروم و زحمتکش ما، به تماشای نمایشی بدیع، دست پخت ساواک و ساواجا و سیا و اپتلیجنت سرویس فراخوانده شدند، تا یکبار دیگر طاعت نبود آب، نان، برنج، پیاز، خاموشی‌های مکرر، کراسی سرسام آور، اختکار، بی‌سربانی شهرنشینان، آوارگی روسپاتیان، تقشیش عقاید، اعمال سانسور، خفه کردن هر ندای حق طلبانه و گشت‌هایی که بر سر هر کوی و برزن، کوچکترین حرکات آنان را زیر نظر می‌گیرد، بشنوند!

منادیان و مدافعان پیشین شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پسود، مستضعفین، امروز در نقش جارچیان ضابطین دستگاه قضایی - امنیتی جمهوری اسلامی، در بلندگوهای نماز جمعه، حنجره می‌درند، که: «مردم آسوده بخوابید، شهر در امن و امان است! جز چند "جاسوس" و "توطئه گر" که "امورات کشور را فلج کرده بودند" و اجزای هر برنامه‌ای را که "ما برای مستضعفین داشتیم غیر ممکن ساخته بودند"، نفس کش دیگری باقی نمانده، همه را دستگیر

بقیه در صفحه ۲

شعر همراه

سیاوش کسرائی - خرداد ۱۳۶۲

در صفحه ۲

باید به جنگ غیر ضروری پایان داده شود!

در روزهایی که ناقوس مرگ و تخریب جنگ سه ساله عراق و ایران بصدای مردم می‌آید، مسئولان جمهوری اسلامی ایران به مردم وعده پایان جنگ را در سال چهارم آن می‌دهند!

این وعده‌های توخالی برای اولین بار نیست، که تکرار می‌گردد. چندی پیش نیز اعلام کردند که پایان جنگ قریب الوقوع است! ولی واقعیت و عمل آنها چیز دیگری را می‌آموزد.

جنگ ضد انقلابی و امپریالیستی ای، که سه سال پیش بدست صدام علیه انقلاب ما بر راه افتاد، اگر چه خیلی زود در مقابل فداکاری و ایثار توده‌های میلیونی زحمتکش، جوانان و زنان میهن ما و در کنارشان توده‌های فداکارها (اکثریت) و سایر دگراندیشان ضد امپریالیست با شکست روبرو شد و به اهداف سیاسی و نظامی خود دست نیافت، ولی توانست به اهرم عمده تحکیم و تقویت نیروهای راستگرا در حاکمیت ج ۱۰۱۰ تبدیل شود و به قبضه کردن و مسلط حاکمیت به نفع اهداف ضد ملی و ضد خلقی ارتجاع راستگرا کمک کند، ارتجاع را بر میهن ما حاکم سازد و راه بازگشت امپریالیسم را هموار کند.

اکنون این جنگ غیر ضروری می‌رود در منطقه همان نقشی را ایفا کند، که در میهن ما و در کشور عراق انجام داد: کمک به ارتجاع و تقویت آن!

جنگ توسعه طلبانه در خدمت

منافع جهانی امپریالیسم

اگر امپریالیست‌های فرانسوی پادست و دل باز به تقویت نظامی رژیم صدام ادامه می‌دهند،

بقیه در صفحه ۱۰

نه! آقای رئیس جمهور!

«مردم ما پیادگان بی اراده یک شطرنج پوچ نیستند!»

حکم سراسر "مردم ستیزانه"، "با کوهی" دلیل و مدرک و روایت و رأیت اسلامی، "پا به میدان برگزاری نماز جمعه، این "آئین سیاسی - عبادی و دشمن شکنانه" گذاشت و در آغاز کلام سخن در خطبه اول - خود، "انبوه مردم همیشه در صحنه" را دشمن خواند و بی‌برده خاطر نشان ساخت:

سرانجام، در آخرین روزهای داغ تابستان، "پوچ" مردم دوستی، حاکمیت جمهوری اسلامی، آب شد و آقای حجت الاسلام خامنه‌ای، به عنوان رئیس جمهور و امام جمعه تهران اعلام کرد: "حاکم اسلامی، وقتی از مردم چیزی می‌خواهد، به مردم امر می‌کند، مردم باید اطاعت کنند!" (اطلاعات، ۱۲ شهریور)

حجت الاسلام خامنه‌ای، برای تزیق و تحمیل این

همبستگی دمکراتها و کمونیست‌های یونان با حزب توده ایران

نظری بر سیر ارزیابیهای حزب توده ایران از جنگ ایران و عراق

منابع عظیم اقتصادی و مادی دو کشور را ایران نموده است.

این جنگ که در چار چوب توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب شکوهمند میهن و بر طبق منافع و سیاست تحریر آمریکا، توسط صدام آغاز گردید، تا کنون دارای مراحل مختلفی بوده است.

وقایع ۳ ساله جنگ و تاپیچی که تا کنون به بار آمده،

بقیه در صفحه ۸

اکنون ۳ سال از آغاز درگیری میان ایران و عراق که با تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به میهن ما، آغاز گشت، می‌گذرد.

طی این جنگ و تا کنون حدود ۳۰۰ هزار نفر از سربازان و افسران ایرانی و عراقی کشته و بیش از این تعداد نیز زخمی و معلول شده‌اند. این جنگ همچنین محصول سالها تلاش و رنج زحمتکش ایران و عراق را به بنیاد داده و

باید ارباب همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

قربانی کردن توده ایها، راه حل، مسائل و دشواریهای انقلاب نیست!

بقیه از صفحه ۱

اما چشمهای تیز بین و ذهن آگاه مردم ما، از پس این دود تیره و انبوه - که از سوختن گوشت و پوست توده ایها، فدائی ها و سایر دگراندیشان ضد امپریالیست بر می خیزد - سحر را از شب باز می شناسد.

مردم ما در روزهای انقلاب، هستی خود را به میان ننهاده اند تا امروز در برابر امپریالیسم زانو بزنند. آنها بزرگ مالکان و کلان سرمایه - داران را از کشور و " مناصب دولتی " تراندند، که امروز به استقبال " شان بشتابند؛ آنها شکنجه گاهها و فراموشخانه های طاقت را، با دستهای خالی خود ویران ساختند تا امروز پشت در " کمیته های مشترک " و " بندهای ۳۰۰۰ " به انتظار گرفتن خبری - هر چند کوتاه - از عزیزانشان، این مبارزین راستین استقلال و آزادی، روز را به شب و شب را به صبح برسانند.

آنان می دانند، گلوله های سربینی که قلبش تپنده، مدافعین راه مردم را ملامت می کند، بذرهای نیست که درون زمین های رها شده، روستا، بنشینند و قوت شب شان را تأمین کند.

آنان می دانند، ساطورهای برای که دست و پای شیفتگان خلق را قطع می کند، داسهایی نیست که خوشه های گندم را درو کند و نشان روزانه شان را فراهم سازد.

آنان می دانند که هیچیک از این شعبده بازی ها، آب، برق، پیاز، خانه، کار، زمین و ... نمی شود؛ آنان می دانند و خوشت راستگرایان و تسلیح طلبان نیز بدانند، که حزب توده، ایران، حتی لحظه ای از پیکار با دشمنان مردم و انقلاب و در راه مردم و انقلاب باز نمی ایستد. ما این سنگلاخ آفته به لخته های خون هزاران توده ای را، با تکیه بر عصای ایمان و مثنی اصولی خود، می پیمائیم. زیرا در آئین ما، ایستادن، نفس زدنکی و زانو زدن، خود مرگ است؛ و چه کسی است که در این گزینش روشن - بین مرگ و زندگی - ذره ای تردید به خود راه دهد؟! رسالتی که تاریخ بر عهد ما نهاده، بیبهره و کشیدن نور و نیرو، از ژرفای تاریکی است.

آری، این قافله هرگز به شب نمی رسد!

هم از این روستا که حزب توده، ایران از همه نیروهای مترقی و انقلابی ایران، با هر گرایش سیاسی و عقیدتی انتظار دارد که با همه توان و با بهره گیری از تمامی وسائل و ابزار، شهامت مدنی، دفاع از انقلاب، دفاع از زندانیان سیاسی ضد امپریالیست، دفاع از حزب طبقه کارگر ایران، مدافع پی گیر راه استقلال و آزادی ایران را در دستور میرم. ترین وظائف روز خود قرار دهند و با یاری به تشکیل جبهه متحد خلق، پیروزی نهایی و اجرای آماج های اصلی انقلاب را تضمین کنند.

رفیق را در گورستانی دور و متروک به دل بردار زمین سپردند تا بار دیگر جان پاکي را که بسیاری بهروزی مردمش فدا شده بود، در آغوش گیرد. ۰۰۰ و هنوز حاکمیت جمهوری اسلامی، در تدارک این است که برای ارتجاع بیرحم، قربانیان دیگری جستجو کند. چرا؟! - برای اینکه " توصیه های برژینسکی " را بی کم و کاست، به اجرا در آورند. - برای اینکه نشست کنفرانس ویلیامز بزرگ رای - " چراغ " نگذارند. - برای اینکه راه رفته به سوی امپریالیسم را، بی مانع و رادع سپری کنند. - برای اینکه روح سلوکی کود تاگر را شاد کنند و

کردیم و از همه " اعتراف " گرفتیم ۰۰۰ می گوئید: نه؟! وعده ما در کشتارگاه اوین ۱۰ پند ۳۰۰۰! اکنون، بیش از ۷ ماه است که استخوانهای توده ای ها را در فراموشخانه های جمهوری اسلامی در هم می ساینند تا از عصاره آن چراغ امپریالیسم را روشن نگهدارند. اکنون، بیش از ۷ ماه است که نسلی پرحاصل از خرد و افتخار را به دستهای مرگ آور مردانی کینه توز، با مغزهایی پوک و قلبی مملو از نفرت و دشمنی - نسبت به مدافعان واقعی انقلاب - سپرد ما ند تا با اعمال شکنجه های جسمی و روانی، استفاده از کابل، سوزن و ان و شوک الکتریکی، هر يك را به " اعترافات " مورد پسند حاکمیت جمهوری اسلامی، وادارند.

اکنون، بیش از ۷ ماه است که ولع مارهای جنبر زده بر این و آن کتف ارتجاع، با خسون و زندگی توده ای های دربند فرونشاند می شود و هنوز دست اندرکاران حاکمیت برای اطفاء اشتباهی سیری ناپذیر آنها، در پی شکار قربانی های دیگراند: ۷ ماه شکنجه و شلاق و شکنستن دست و پا و سوزاندن گوشت و پوست توده ای ها، فدائی ها و دیگر دگراندیشان ضد امپریالیست ۰۰۰ اینست معنای " عطفوت اسلامی " ادعایی " حاکمان اسلام "!

رفیق شهید، حسن حسین پور تبریزی، که خود چون قشونی، ۶۰ سال زندگی پاک و سراسر کار و پیکار خود را در راه احقاق حق و زحمتکشان میهنش صرف کرد، در زیر تیغ برنده، همین " عطفوت " شهید شد. پزشکانی که در آخرین لحظات، برای مداوای پیکر مد هوش و تکیده و نزار او به بالینش فراخوانده شدند، کساری از پیش نبردند: علم هم نتوانست قلب درد کشیده و سوراخ سوراخ شده، او را، قلبی که از نیش سوزنهای درخیمان بند ۳۰۰۰، متروم و بی خون شده بود، به تپش دوباره بازگرداند.

رفیق شهید گایگ آوانسیان، این تندیس پهلوانی، که در اثر شکنجه های وحشیانه درخیمان دست آموز سیا و اینتلیجنت سرویس، به گوشت و پوستی بدل شده بود، با همین نوازش های " عطفوت آمیز " به ابدیت پیوست.

رفیق شهید علی ریاحی دهکردی، جوان بیست و چند ساله ای که از ساله، قهرمانان توده ای، پهلوانی دل و اندیشه را، یکجا به ارث برده بود، نیز بدینگونه عمر پر غرور و افتخار آفرین خود را بی پایان برد. جسد او را با دستهای شکسته و میان پایهای سوخته، برای دفن به گورستان شهر بردند. اما همان کسانیکه مرگی زود رس، در سر راه بهار زندگیش، نشان نداده، از صد و ر جواز دفن سر پل زدن و ناگزیر پیکر مجاله شده

همراه

**باز هنگامه نام و تنگ است
راه پرماتنگ است.**

**یک نفر می افتد،
یک نفر می شکند،
می گیرند یک تن؛
یک نفر اما، با پرچم جان
می ماند**

**یک نفر هست که باز
نغمه خونین را
در تمام شب ما می خواند.**

**عمر من
گرچه کوتاهتر از آه من است
هم درین نیم نفس
آنکه می ماند و می خواند
همراه من است.**

سیاوش کسرائی - خرداد ۱۳۶۲

کار نیمه تمام او را به پایان برند. کسی که با " شهامت " در دادگاه اعلام کرد: " ما می خواستیم دو ساعت قبل از کودتا، همه اعضای حزب توده، ایران را دستگیر کنیم " - برای اینکه محلی برای عرض اندام لیبرالهای آمریکائی فراهم سازند. - برای اینکه روی تمامی زد و بندها، بی برنامگی ها، ناپسانمانیها و اهمال کاریهای خود، سرپوش گذارند. - و برای اینکه شرف، شجاعت و حرمت انسانی را پایمال کنند، فرهنگ و دانش و ایمان را سرکوب کنند.

همبستگی دمکراتها و کمونیستهای یونان با حزب توده ایران در جشنواره های باشکوه جوانان کمونیست یونان

آتن

نهمین جشنواره نشریه ادیگس ارگسان سازمان جوانان کمونیست یونان که ۸ تا ۱۱ سپتامبر در شهر آتن برگزار شد در این جشن بیش از یک میلیون نفر از کمونیستها و دمکرات های یونان شرکت کردند.

سازمان جوانان توده ایران نیز، بنا به دعوت رسمی جوانان کمونیست یونان، در این جشنواره شرکت نمود. از غرفه سازمان جوانان توده ایران جمعیت کثیری بازدید کرده، از تشریفات حزب به زبان یونانی استقبال بعمل آوردند و همبستگی خود را با زندانیان توده ای و سایر دمکراتهایی که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران بسر می برند اعلام داشتند. آنها با امضا نامه اعتراضی سرگشاده و ارسال آن به مقامات جمهوری اسلامی ایران، ضمن محکوم کردن اعمال شکنجه دربارۀ زندانیان، خواستار آزادی فوری رفقای دربند شدند.

سازمان جوانان توده ایران، همچنین طی پیامی به جوانان کمونیست یونان، ضمن ابراز همبستگی با مبارزات ضد امپریالیستی مردم یونان نقش فعال جوانان کمونیست یونان را در بسط

جنبش صلح خواهانه و دمکراتیک مردم یونسلن ستود و خواستار همبستگی هر چه بیشتر کمونیست های یونان با مبارزین توده ایها در بند و همچنین سایر دمکراتهای ایران، که برای نجات انقلاب ایران مبارزه می کنند؛ گشت.

در جلسه وسیعی که از طرف کمیته یونانی برای همبستگی با زندانیان در این جشنواره تشکیل شده، نماینده سازمان جوانان توده ایران نیز شرکت کرد. وی ضمن بیان شمعای از روشهای شکنجه های اعمال شده برای کسب "آقاریس" از زندانیان، به سوالات حاضرین درباره مسائل انقلاب ایران پاسخ داد. این جلسه با شعارهایی مبتنی بر همبستگی با زندانیان توده ای و خواست قطع شکنجه و آزادی آنها پایان یافت.

سالونیک

از تاریخ ۱ تا ۴ سپتامبر (۱۰ تا ۱۳ شهریور) نهمین جشنواره جوانان کمونیست یونان در شهر سالونیک برگزار گردید.

مردم شهر با رجوع به غرفه حزب توده ایران و با امضا اعتراضنامه، همبستگی خود را با توده ایهای دربند و سایر نیروهای طرفدار انقلاب اعلام کردند. از طرف نماینده سازمان جوانان

توده ایران پیامی خوانده شد که بخشی از آن را در اینجا درج می کنیم:

"۰۰۰ این روزها، که عمل امپریالیسم و ارتجاع داخلی به کمک سازمانهای جهانی، انتلیجنت سرویس، موساد و ساواک دست در دست هم، کمره نابودی بهترین و مبارزترین فرزندان خلق ایران بستند، لزوم همبستگی شما جوانان کمونیست و همه نیروهای پیشرو و دمکرات جهان بیش از پیش احساس می شود. ۰۰۰ پایدار باد همبستگی بین المللی با حزب توده ایران. متن زیر، که به همت هواداران حزب توده ایران در یونان انتشار یافت، به امضای بیش از ۶۰۰۰ نفر از مردم مبارز یونان رسیده است:

" ما امضا کنندگان این اعتراضنامه، ضمن ابراز انزجار خود نسبت به دستگیری رهبران، اعضا و هواداران حزب توده ایران، طرف حاکمیت جمهوری اسلامی، از مقامات چ.ا. می طلبیم که به هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان متخصص و بی طرف بین المللی جهت باز دید از زندانیان توده ای و بررسی شکنجه های اعمال شده در حق آنان و چگونگی دریافت "آقاریس"، اجازه ورود به ایران را بدهند."

ریز و سیاستس:

همبستگی بین المللی با توده ایهای دربند و وظیفه ای است فوری

روز سه شنبه ۱۳/۹/۸۳ (۲۲ شهریور) در روزنامه ریز و سیاستس، ارگان مرکزی حزب کمونیست یونان، این خبر درج شده است:

اعتراضنامه ای از طرف سازمان جوانان کمو نیست یونان در شهر بند ری پیرا در رابطه با یورش حاکمیت جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، تسلیم سفارت ایران در آتن شد.

نمایندگان سازمان، که اعتراضنامه را تسلیم سفارت کرده بودند، خواستار آزادی زندانیان توده ای و متوقف کردن پیگرد رهبران، اعضا و هواداران حزب توده ایران شدند.

همچنین اعتراضنامه دیگری نیز با امضاهای بیشماری از طرف مردم یونان تسلیم سفارت ایران در آتن شد. سفارت جمهوری اسلامی، که هیچ گونه پاسخ و توجیهی برای جنایات دولست متبوعش نداشت، اعتراضنامه فوق را با ضمیمه کردن یادداشتی، مبنی بر اینکه در ششون داخلی ایران دخالت نکنند، پس فرستاده است.

در روزنامه ریز و سیاستس به تاریخ ۵/۹/۸۳ (۲۴ شهریور)، مقاله ای تحت عنوان "آزادی کمونیست های ایران وظیفه ای است فوری" آمده است:

"اعتراضی و نگرانی توده های مردم به قانون شکنی ها و اقدامات ضد مردمی راستگرایان و عمال امپریالیسم، که حاکمیت را قبضه کرده اند، روز به روز شدید تر می شود.

امروز بیشتر از هر زمان دیگر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق از تمام میهن پرستان و انسانهای دمکرات و پیشرو ایران - با هر مرام و مسلکی - در برابر ارتجاع داخلی و خارجی و ضد انقلاب احساس می شود. انقلاب ایران، که خطر نابودی آن را تهدید می کند، احتیاج مبرم به تنها راه حل (یعنی تشکیل جبهه متحد خلق) برای نجات خود دارد."

همچنین در مقاله آمده است: "پولدارها پولدارتر و فقرا فقیر تر میشوند. رژیم جمهوری اسلامی، که اکنون در بحران فرسودگی است،"

رفته است، دست به از بین بردن تمام قوانین و اصلاحاتی زده است که به نفع زحمتکشان و تبهی داستان جامعه است. اقدام دیگر مقامات جمهوری اسلامی برقرار کردن رابطه مجد د با انحصارات بین المللی و امپریالیسم جهانی است. روزنامه تحت عنوان "هم جهت شدن با امپریالیسم" می نویسد:

"راه سومی که سردمداران جمهوری اسلامی در پی آن بودند، مانع از آن نشد که آنها با امپریالیسم همسو شوند و این بطور واضح در تصمیمات سران کشورهای سرمایه داری در ویلیامز بورگ منعکس شده است: استقبال گرم آنها از برقراری مجدد ارتباط با ایران!

همچنین رابطه های پنهانی آمریکا از طریق یک کشور ثالث با ایران دلیلی بارز این همجهت بودن است.

با توجه به عوامل یاد شده، یورش به حزب توده ایران، که مخالف سرسخت امپریالیسم

بقیه در صفحه ۱۱

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

نه! آقای رئیس جمهور!

«مردم ما پیادگان بی اراده یک شطرنج پوچ نیستند!»

بقیه از صفحه ۱

۰۰۰ اگر قرار باشد که مردم موظف نباشند از نظر شرعی که این قوانین را عمل بکنند و برای مردم لازم نباشد که گوش بزرگ این باشند، ببینند دولت اسلامی و حکومت اسلامی از آنها چه می خواهد، آنها برای او انجام بد هندی ۰۰۰ (آنها را) خواهیم شکست»
همیشه بد بینگوه بوده است.

وقتی دلیل علیل است، باید به زور مسئله را حل کرد.
وقتی قدرت و خواست اقدامات اساسی به سود مردم، در میان نباشد باید " امر " و " حکم " و " دستور " را به قطب نغای عمل بدل ساخت.
وقتی نتوان ویتاین نباشد که دنیا را برای محرومان قابل زیست ساخت، چه بهتر که بر روی " دوزخ " آنها، برای خود " بهشت " دست و پا کرد ۰۰۰

در واقع، اعلام چنین حکمی در شهبستان اختناق و سرکوب و شکنجه و میدان داری راست - گرایان و پرچمداری تسلیم طلبان بعید نیست. تسلیم طلبان که علاوه بر عقب نشینی در برابر هجوم افسارگسیخته نمایندگان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و قشریوس و تن به سازش دادن با آنها، در تار و پود نامرئی و دست و پاگیر توهم رند ام کاری در عین خدمت به تحکیم پایه های نظام غارتگر سرمایه داری - و چشم بندی " های خود نیز گرفتارند، برای سرپوش گذاشتن بر علل واقعی بحرانی، که چون زلزله زمین زیر پایشان را به لرزه در آورده، انگشت اتهام را به سوی مردم نشانه می گیرند و گناه تمامی ناپسامانیها، مشکلات دوار بر انگیز و تضادهایی که در اثر عدم توجه به ضرورت های مبرم انقلاب، حادث شده، به پای زخم دیده مردم گره می زنند و به آنان امر می کنند: " هرج و مرج و بلبشو راه نیندازند. چرا؟! چون بقیته هرج و مرج و بلبشو، بر خلاف نظر اسلام است. ۰۰۰! " حجت الاسلام خامنه ای، در این بشکوه قطران توهین و تحقیر و تحکم، چمچهای عمل " مردم خواهی " نیز اضافه می کند و خطبه های نهج البلاغه و کلام علی بن ابیطالب را شاهد و مثال می آورد و می گوید:

" علی بن ابیطالب ۰۰۰ می فرماید: ۰۰۰ آنوقتیی که با من روبرو می شوید، آنچه را که مجوی خیر - خواهی است به من بگوئید، مرا نصیحت کنید. اگر عیبی دارم بازگو کنید ۰۰۰ "

حاکمیت جمهوری اسلامی، اگر همان اندازه که از قدرت آمریست و تحکم برخوردار است، از قدرت حافظه هم فیضی می داشت، بی شیبه بیاد می آورد که چندی پیش، خود و همسایه کیشانشان به مردم و نمایندگان آنان - که همین " عیب " ها را بازگو می کردند - دستور دادند: " شما به جای خودتان بنشینید. آنقدر

توسطه نکنید. ۰ آنقدر تضعیف نکنید جمهوری اسلامی را ۰۰۰ (اطلاعات، ۲ خرداد)
آقای حجت الاسلام خامنه ای، که برای بنا لا رفتن از صخره بلند این ادعا - ادعای رعایت نظر مردم - به پرسیمان سخنپردازی " متوسطی می شود، خیل سی زود دستت خود را بهاز می کند و ماهیت ادعای رعایت نظر مردم را عیان می سازد. وی در چند سطر پائین تر، همین خطبه به صراحت اعلام می کند:

" یک نکته اینست که مردم باید بدانند، در همانجائی که قانون دولتی جمهوری اسلامی به خلاف عمل آنها و حتی بر خلاف صلحت شخصی آنهاست، در همان جا هم آن قانون بر طبق صلحت عامه " مسلمانه است! " و با این جملات او و همفکرانش آب پاکی روی دست مردم می ریزند و به عنوان قیم این " عامه " مسلمان صغیر، به جای آنان می اندیشند، بر خلاف نظر آنان تصمیم می گیرند و بر ضد صلحت آنان عمل می کنند؛ اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران، با تمساک " خضوع و خشوعی که ذاتی اوست " (!) می - تواند ادعا کند، در پیاده کردن آنها، همتا ندارد!

کارنامه " بی همتایی حاکمیت جمهوری اسلامی در همین جا بسته نمی شود. در واقع کدام حاکمیت دیگر می تواند، در برابر میلیونها دهقانی که با رنج و خون و آرزوی دستیابی به زمین - زمینی که خود و تبارش، بر سر بارور کردن آن، به حساب جیب بزرگ مالکان، به تباهی جسمی و روحی رسیده - به پا خاسته و انقلاب را بشمر رسانده، پایستند و بگویند:

" ۰۰۰ روستائیان برای خاطر خرق و پیرق پوچ و بی معنای زندگی شهری، مثل گذشته که رژیم شاه این کار را تشویق می کرد، بلند شوند و کوله بارشان را بردارند، دست زن و بچه شان را بگیرند، بپایند تهران و یا بپایند در شهرهای بزرگ ۰۰۰ "

نه! آقای رئیس جمهوری! روستائیان ما بخاطر خرق و پیرق به شهرها مهاجرت نمی کنند.

خویست علل این مهاجرت روز افزون را از زبان ابراهیم شوندی " عضو انجمن اسلامی کهریز - بخازی و مسئول روابط عمومی کمیته " رزن " بشنوید:

" بخاطر محرومیت هایی که در این منطقه وجود دارد، طبق اطلاعاتی که داریم از بعضی از روستاهای این منطقه در چند ماهه اخیر، ۱۰ تا ۷۰ خانوار به شهرها مهاجرت کرده اند. وی افزود از لحاظ توزیع مواد غذایی و امکانات کشاورزی و فرهنگی، این منطقه، بسیار وضع بدی دارد و در زمستان گذشته خبر داریم، حتی خانواده هایی بودند که به نیم کیلو برنج دسترسی نداشتند. شاهد بودم که بخاطر کمبود سوخت، شبها برای آبیاری از روشنایی چراغ موتور سیکلت

استفاده می کردند و یا پمپ کشاورزی را دیدم که بخاطر یک تسمه از کار بازمانده است و شاهد بودم که در حالیکه ۳ متر برف روی زمین نشسته بود، پیر زن مریضی را برای اینکه به دکتر برسانند، روی دوش حمل می کردند ۰۰۰ (کیهان، ۲۰ تیر)

این را دیگرمانی گوئیم، " اعضای شواهای ۲۰ روستای اطراف دمق " می گویند، که " محال سرد رود، که قبلا دارای ۵۶ روستا بوده، در حال حاضر، بخاطر مهاجرت بعضی روستائیان، ۴۸ روستا مانده است ۰۰۰ در این روستاها، علاوه بر مشکل زمین، " عموما نداشتن راه و پیرق و آب لوله کشی، امکانات درمانی و بهداشت و نیز مساله توزیع سوخت و کالاهای اساسی و کمبود و لوازم ماشین آلات کشاورزی و مشکلاتی از ایسن قبیل مطرح است. ۰۰۰ برق در سراسر روستا های این منطقه وجود ندارد ۰۰۰ (کیهان، ۲۰ تیر)

مطلب گویاتر از آنست که نیاز به تفسیر داشته باشد. در توضیح آن، همین بس که بگوئیم، این ویژگیها، تنها به ۴۸ روستای محال سردرود - از ۵۶ روستای باقی مانده - اختصاص ندارد. این مختصات، گاه به درجائی بس پالاتر از اینها، در اکثریت مطلق روستاهای ایران، قابل تعمیم است.

در واقع، آقای رئیس جمهوری این تطیلی " شاهانه " به روستائیان همان چیزی را نسبت می دهد، که " روحشان " از آن بی خبر است. وی همچنان در این سخنان از " واقعیتی سخن می گوید، که حتی " برناه ریزان دولتی " هم، به آن دست نیافته اند: حجت الاسلام خامنه ای می گوید:

" امروز، مردم ما خوشبختانه مالیات را بسا شوق و رغبت می دهند! " " به برنامه اول توسعه اقتصادی ۰۰۰ جمهوری اسلامی نگاه کنیم:

" نظام مالیاتی کنونی کشور، نظام کارآمدی نیست ۰۰۰ در شرایط فعلی چه بسا افراد و موسساتی که با وجود درآمد کلان، مالیاتهای خود را به اندازه لازم پرداخت نکرده و نظام مالیاتی کشور نیز توان وصول آن را ندارد ۰۰۰ (کیهان، ۲۵ مرداد)

و از سوی دیگر ستون های " درد دل مردم " و " صدای شما " و ۰۰۰ روزنامه های مجاز از فریاد های اعتراضی مردم، در مورد بالا رفتن میزان مالیات و عوارض دولتی بلند است. اینهمه از حقیقت پروا داشتن چی معنی دارد؟ آیا می توان، برای همیشه واقعیات را " با شوق و رغبت " زیر آواری از برداشت ها و تحلیلهای کاذب، مدقون ساخت و خود به جای آن نشست و حکم راند و امر و نهی کرد؟!

آقای رئیس جمهور، در پایان خطابه اول و اول بقیه در صفحه ۱۰

بیمناست سالگرد کودتای فاشیستی - نظامی در شیلی

نکاتی چند پیرامون تجارب انقلاب شیلی



لوئی کورولان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی

تر و عمیقتر مردم روستاها کمک کند. اما خرابکاری ارتجاع در تولید اقتصادی، توطئه‌های امپریالیسم بمنظور ایجاد بی‌ثباتی در کشور و همچنین عدم هدایت موثر امور اقتصادی کشور توسط دولت موجب گردید که توازن قوا به زیان ما تمام شود.

روشن است که انقلاب خطر ضد انقلاب را نیز به همراه دارد؛ بخصوص وقتی که نیروهای انقلابی ابتکار عمل را از دست داده و به مواضع دفاعی کشیده می‌شوند و انقلاب در جا می‌زند، تا آنجائیکه توازن قوا بسود دشمن تغییر می‌یابد. در شیلی این روند پس از مرحله اوج جنبش تودهای و تحولات عمیق دمکراتیک، مرحله‌ای که طی آن دولت خلق بطور چشمگیری از پشتیبانی توده‌ها برخوردار بود و به موفقیتها و دستاوردهای مهمی دست یافته بود، آغاز شد.

در سپتامبر ۱۹۷۳ انقلاب شیلی موقتاً با شکست مواجه گشت و ژنرال پینوشه در رأس یسک باند نظامی ارتجاعي، که از سوی آمریکا هدایت و تغذیه میشد با طرحریزی يك کودتای نظامی دیکتاتوری فاشیستی را در شیلی برقرار ساخت.

با وجود شکست موقت انقلاب، دستاوردهای سه ساله آن میراث گرانبهائی را برجای گذاشت. این دستاوردها بعنوان پرچم مبارزه طبقه کارگر و وسیعترین اقشار مردم شیلی باقی خواهد ماند. امروز تجارب انقلاب شیلی در مرکز مباحثات سیاسی و آیدئولوژیک قرار دارد.

ما در زیر قسمتهائی از مقاله تحلیلی رفیق لوئی کورولان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی، را، حزبی که برای وحدت همه نیروهای ضد فاشیستی و ضد دیکتاتوری مبارزه میکند، منتشر می‌کنیم:

جوادستیابی به تمام قدرت ضروری بود

طبقه کارگر و دیگر نیروهای مترقی در صد برقراری دولت طراز نوین بودند. اشکال جدیدی از اعمال حاکمیت پدیدار شد؛ در کارگاههایی که مالکیت دولتی برقرار شده بود کمیته‌های تولید و سرپرستی و نیز کمیته دفاع از کارخانه تشکیل شدند؛ سندیکا‌های سراسری برای بخشهای مختلف صنایع تشکیل گردیدند؛ مصرف کنندگان، شوراهای تأمین مواد غذایی و کنترل قیمت‌ها را تشکیل دادند. این نطفه‌های شکل حاکمیت جدید (که یکی از گرانبهاترین تجربیات ماست) تکامل لازم را نیافتند.

فعالیت چپ‌روها نیز، که میخواستند این سازمان‌های جدید را بعنوان آلترناتیوی در مقابل دولت رئیس‌جمهور آینده علم کنند پایه‌های

۱۱ سال پس از انقلاب کوبا (۱۹۵۹)، که خلق را بقدرت رساند، خلق شیلی نیز با پیروزی انقلاب ۱۹۷۰ بخشی از قدرت سیاسی را به دست آورد.

در طول سه سالی که حکومت اوئیداد پپولار (۱) این مواضع را در دست داشت، تغییرات بنیادی در ساختار انقلاب ضد امپریالیستی و فاشیستی و ولیکاری انجام داده و گامهای مهمی در راه جهت‌گیری بسوی تحقق اهداف سوسیالیستی برداشته شد. تحولات به ثمر رسیده در این مدت علاقی تمام مردم جهان را برانگیخت.

از این رو مبارزین انقلابی بسیاری از کشورهای تجارب انقلاب شیلی را بررسی میکنند. آنها نیز این نکته تأکید میکنند، که طبقه کارگر تنها آن زمان میتواند انقلاب را به سرانجام برساند، که مبارزه طبقاتی را تشدید کند، آتش مبارزه را بسوسیالیسم دشمن اصلی بگشاید، اجرای تحولات ضروری در جامعه را تسریع کند، اکثریت مردم را پیرامون خود متحد سازد و به این وسیله آنچنان تناسب قوایی را برقرار کند، که پیروزی بر ارتجاع و بستن دست‌های وی را ممکن سازد.

در مورد سالود برنامه اوئیداد پپولار

قدرت خلق بر پایه اتحادی که بر حول طبقه کارگر و اتحادی که پیرامون اوئیداد پپولار بوجود آمده بود، قرار داشت. اما برای آنکه این اتحاد پایدار باقی بماند، بایستی بنای آن بر اساس يك برنامه مشترک و رهبری سیاسی واحد پایه ریزی شود.

در شیلی ابتدا امکان منزوی کردن دشمن و غلبه بر وی به تحقق پیوست و بدین وسیله راه برای انجام يك سری از وظایف انقلابی از جمله: ملی کردن معادن بزرگ من، بانکها و شرکتهای بزرگ انحصاری، اجرای اصلاحات ارضی، برقراری کنترل بر تقریباً تمام تجارت خارجی، گشوده شد.

موفقیت کامل دولت اوئیداد پپولار در حل مشکلات اقتصادی، میتواندست به جلب همه جانبه

حکومت خلقی را تضعیف کرد و امکان مانور دشمن را تقویت نمود.

در شیلی مسئله اصلی انقلاب (یعنی تصرف تمام قدرت سیاسی) به قابلیت دولت اوئیداد پپولار برای انزوای دشمن و برقراری تناسب قوا بسود خویش بستگی داشت. ۲۰ این امر میتواندست زمینه گسترش تحولات عمیق و پیگیر را، با توجه به در دست داشتن مقام ریاست جمهوری، به دست یابی تمام نهاد های دیگر فراهم سازد.

از سوی دیگر اقشار وسیع خلق هنوز به تصرف کامل قدرت، پی نبرده بودند. دشمن نیز از این واقعیت، که مردم تصور روشنی از تحولات ضروری نداشتند بسود خویش استفاده میکرد و در نتیجه ما مجبور به عقب نشینی شدیم.

مسئله اقشار بینایی

انقلاب شیلی نشان داد که هژمونی طبقه کارگر و نقش رهبری کننده پیشاهنگ آن، عوامل تعیین کننده پیروزی انقلاب است.

مبارزه برای جلب خرده بورژوازی، اقشار بینابینی و اقشار نیمه پرولتر، شرط اساسی بمنظور برقراری تناسب قوا بسود انقلاب است. این نیروها به هیچ وجه همگون نبوده و دهقانان، تجار و سرمایه داران کوچک، صنعتگران، شاغلین آزاد، روشنفکران، دانشجویان و غیره را در بر میگرفتند. بخشی از این نیروها در تمام طول روند انقلاب شیلی در جبهه خلق قرار داشتند. اما همیشه مبارزهای دائمی برای جذب اکثریت این اقشار به این یا آن سوی جبهه در جریان بود و بالاخره اکثریت آنهايي که در ابتدا در موضع دفاع و بسوی طرفی نسبت به دولت بودند، در پایان بسوی جبهه ضد انقلاب پیوستند.

ارتجاع که به علت آشنا هات رهبری سیاسی تا حدود زیادی موفی شده بود از انزوا درآید، جبهه مشترکی با این نیروهای بینابینی تشکیل و حتی نفوذ خود را به بخشهایی از طبقه کارگر نیز تعمیم داد و به حرکت تهاجمی دست زد.



جبهه متحد خلق: تاکتیک بنیادی پیروان راستین سوسیالیسم علمی

مفسده جوئی جنایتکارانه ارتجاع علیه حزب سوده ایران، که بدست حاکمیت کوردل و فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی ایران اعمال می شود، درست به این علت انجام میشود، که برنامه علمی و انقلابی حزب ما در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هر روز روشنتر و زلالتر، به تنها برنامه واقعی و علمی انقلاب تبدیل میشود.

تحریف و لجن پراکنی به تاکتیک و استراتژی صریح و اعلام شده حزب ما - تنها جریان سیاسی ای که مدتها قبل از هر نیروی برنامه وسیلست و مشجم و تدوین

شده خود را به مردم میهن ما ارائه کرد - خود دلیل استواری و مردمی این سیاست است. این تحریف ها و لجن پراکنی ها آیند های ندارد و در مقابل تاریخ محکوم است.

"راه سوده" برای برجسته کردن بازهم بیشتر تاکتیک و استراتژی حزب، در جریان و پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن، به چاپ خلاصه مقاله "جبهه متحد خلق: استراتژی یا تاکتیک؟ هم استراتژی و هم تاکتیک" منتشر و در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب سوده ایران، شماره ۵۰۲ اقدام میکند.

نگاهی به آثار کلاسیک و اسناد معتبر مارکسیستی درباره استراتژی و تاکتیک مبارزه سیاسی پرولتاریا نشان می دهد که اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، به مثابه تاکتیک بنیادی و محوری مبارزه انقلابی کارگران و خلق های تحت ستم، همچون خط سرخی در تمام این آثار، از مانیفست تا آخرین مصوبات نشست های احزاب برادر، امتداد یافته است.

"مانیفست حزب کمونیست"، اثر جواویدان و تاریخساز مارکس و انگلس، نخستین نوشته جامعی است که در آن، علاوه بر جهان بینی و اپیدئولوژی کلیات استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نیز توضیح داده شده است.

مارکس و انگلس در تشریح این رهنمود، پشتیبانی کمونیست ها را از نیروهای انقلابی در کشورهای مختلف اروپای آن روز برمی شمارند و به این نتیجه می رسند که:

راست و چپ در این باره مبارزه کند

پس از لنین، جریان ادراک، گسترش و پرداخت اندیشه "جبهه متحد خلق"، به مثابه تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی پیروان سوسیالیسم علمی مراحل مختلفی را از سر گذرانده است. در این میان رهنمودهای کنگره هفتم کمینترن (۱۹۳۵) را بی گمان باید نقطه عطف دانست.

کنگره هفتم کمینترن با آموزش از تجربه عینی کمونیست های فرانسه در تشکیل جبهه واحد ضد فاشیستی، و گسترش و تعمیم این آموزش در پرتو رهنمودهای مارکسیست - لنینیستی، به فرمول بندی صریح و دقیقی درباره چگونگی تشکیل جبهه واحد خلق در مبارزه با فاشیسم، دولت ائتلافی نماینده این جبهه و جبهه واحد ضد امپریالیستی در کشورهای استعمارزده دست یافت.

"خلاصه آن که کمونیست ها همه جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی می کنند" و "همه جا برای برقراری اتحاد و توافق میان احزاب دمکرات همه کشورها جهاد می ورزند." (۵)

در عین حال مارکس و انگلس یادآور می شوند که: "کمونیست ها پنهان نگاه داشتن نظریات و نیت خویش را ننگ می دانند" (۶) و، در عین پشتیبانی از دیگر نیروهای انقلابی، "از حق خود برای انتقاد" (۷) نیز صرف نظر نمی کنند.

جبهه متحد خلق: هم استراتژی، هم تاکتیک

به این ترتیب مارکس و انگلس نشان می دهند که سیاست کمونیست ها در برابر دیگر نیروهای انقلابی دوجنبه دارد: اتحاد و انتقاد. و پیام مانیفست در زمینه استراتژی و تاکتیک به این صورت درمی آید: مبارزه با سرمایه داری و "اتحاد و انتقاد" با دیگر نیروهای انقلابی.

سیاست "اتحاد و انتقاد" یا "اتحاد و مبارزه"، شکل مشخص دفاع از فردای جنبش در درون جنبش امروز است. کمونیست ها با اتحاد این سیاست همواره در صف نخست جنبش انقلابی واقعا موجود حضور می یابند، در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و انقلابی و گردآوری همه نیروهای واقعا موجود در مبارزه علیه دشمن مشترک - سرمایه داری - می رزمند، با روشنگری سیاسی و توضیح مواضع و منافع طبقاتی هر یک از این نیروها، مانع از انحراف و یا توقف زودرس انقلاب می شوند و تدوین و تعمیق انقلاب در راه تامین منافع زحمتکش را پاسداری می کنند.

سیاست "اتحاد و مبارزه" سیاست تشکیل جبهه متحد خلق است. سیاستی است که بنیانگذاران جنبش کمونیستی آن را تدوین کرده اند ...

از آن چه گذشت، روشن می شود که، از نظر تئوریک، کوشش مارکسیست - لنینیست ها برای تشکیل جبهه متحد خلق، تاکتیکی است که ابعاد استراتژیک دارد و به این بیان مرحله گذرای تکامل جنبش محدود نمی شود. پیروان راستین سوسیالیسم علمی در تمامی مراحل رشد و تعمیق انقلاب، از انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی تا انقلاب سوسیالیستی منادی اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، پیروان برنامه مشترک سیاسی و اجتماعی هستند، که منافع اکثریت عظیم و قاطع خلق را تامین می کند.

البته در جریان رشد و تعمیق انقلاب، ترکیب، کمیت و کیفیت جبهه متحد خلق خواه ناخواه تغییر خواهد کرد. برخی نیروها در میانه راه از آن خواهند بزید و برخی دیگر بدان خواهند پیوست. اما این امری نیست که به خواست و اراده مارکسیست ها و تصمیم گیری مصنوعی آن ها بستگی داشته باشد. این منطق تکامل و زرفش انقلاب است. پیروان راستین سوسیالیسم علمی پیشاپیش هیچ نیرویی را از شرکت در این اتحاد محروم نمی کنند. برعکس، این نیروهای سیاسی وابسته به طبقات استعمارگر هستند که در این یا آن مرحله از زرفش انقلاب، از وفاداری به آرمان های خلق سربمی پیچند و در برابر جبهه متحد خلق قد علم می کنند. نمونه سرپیچی لیبرال های ایران از وفاداری به هدف های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، خود شاهدی عینی است که خلق ما آن را تجربه و لمس کرده است.

دومین نوشته جامعی که در آن استراتژی و تاکتیک انقلابی کمونیست ها مورد بررسی قرار گرفته است، اثر تاریخساز لنین به نام "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" است. اهمیت این کتاب در گسترش و تکامل آموزش مارکسیستی انقلاب دموکراتیک تا بدانجاست که می توان آن را قانون اساسی انقلاب دموکراتیک در دوران های نوین دانست. موضوع اصلی این کتاب نیز همان تاکتیک بنیادی مارکسیست ها در مبارزه سیاسی است ...

تاکتیک بنیادی که لنین برای پرولتاریای روسیه تدوین می کند، چنین است:

آنان که سیاست اصولی و انقلابی حزب سوده ایران را بدون پیشداوری دنبال می کنند، به یاد دازند که ما در سر آغاز انقلاب به درستی این سرپیچی را پیش بینی کردیم و آن را با خلق در میان گذاشتیم. اما در بدو امر هرگز نگفتیم و نخواستیم که این یا آن عنصر و یا سازمان لیبرالی را باید پیشاپیش از شرکت در جبهه متحد خلق محروم کرد. فقط آن گاه که فلان یا بهمان جریان لیبرالی در عمل نشان داد که دیگر به آرمان های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران وفادار نیست، بلکه آشکارا قصد آن دارد که انقلاب را به سازش با امپریالیسم و ارتجاع بکشد، بکلیت نیز در انقشای آن و کوشش برای منفرد کردن آن از جبهه انقلاب درنگ نکردیم.

پیروان راستین سوسیالیسم علمی هیچ شرطی را از پیش برای شرکت در جبهه متحد خلق تعیین نمی کنند، مگر وفاداری به برنامه انقلاب و به آرمان های خلق. از نظر ما حتی پذیرش حاکمیت این یا آن نیروی انقلابی بقیه در صفحه ۱۵

تشکیل جبهه متحد خلق از کارگران و دهقانان و دیگر عناصر دموکراتیک شهر و روستا برای خنثی کردن تزلزل ها و سازشکاری های بورژوازی لیبرال و مبارزه در راه استقرار جمهوری دموکراتیک.

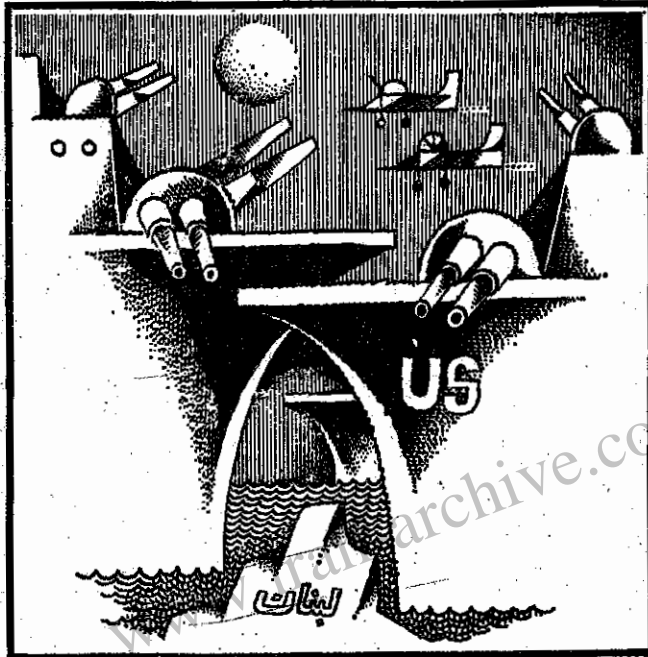
لنین برای اثبات صحت این تاکتیک ناگزیر بود با دینظر مخالف

تجاوز و توسعه طلبی آمریکا دیگر حدود مرزی نمی شناسد

جنگ را گسترش دهد و تعداد نیروهای مسلح خود در لبنان را زیادتر کند. اما ورود ۲۰۰۰ سرباز تازه اگر افزایش تعداد سربازان نیست پس چیست؟
نقشه‌های پنتاگون و کاخ سفید تنها بدخالت در لبنان هم محدود نمی‌شود. در هفته‌های اخیر اتهامات بی‌پایه علیه سوریه که گویا در گسترش زد و خورد های اخیر دست دارد نشان می‌دهد

"دفاع" از پیاده نظام دریایی لازم آمده است که از یکسال پیش برای برقراری آرامش در لبنان مستقر می‌باشد.
بدون تردید صحبت بر سر تدارک مداخله وسیع آمریکا در امر داخلی لبنان است. آنهم علیرغم اطمینان دادن ریگان که "پیاده نظام دریایی در جنگ داخلی لبنان مداخله نخواهد کرد" و که "ایالات متحده آمریکا نمی‌خواهد

سیاست دولت کنونی آمریکا را در آمریکای مرکزی، جنوب آفریقا، لبنان، افغانستان و جنوب شرقی آسیا تنها بعنوان تجاوز و انضمام طلبی خالص میتوان ارزیابی کرد. بویژه در خاور نزدیک این سیاست از راه دخالت مستقیم نظامی خشونت آمیز در لبنان تحقق می‌پذیرد.
اخیراً توپخانه آمریکا کثیها مناطق مسکونی بیروت و روستاهای اطراف آنرا گلوله باران کرد. اما این فقط تدارک برای دخالت وسیعتر نظامی ایالات متحده آمریکا در لبنان بود. نقشه‌های مربوط به توسعه دخالت در لبنان توسط خود دولت آمریکا فاش گردیده است. چندی پیش در سواحل لبنان سه ناو جنگی آمریکا با دو هزار پیاده نظام دریایی پهلو گرفت. باین ترتیب پنتاگون تعداد سربازان خود را در باصطلاح نیروهای چند ملیتی به ۳۲۰۰ تن رساند. ریگان اعلام کرده که به فرماندهی این نیروها اجازه داده است که در صورت لزوم از نیروهای هوایی تقاضای پشتیبانی کنند. فرستاده ویژه آمریکا در خاور نزدیک نیز اعلام کرد که پیاده نظام دریایی را با استفاده از هواپیماهای "هاریز" و بیب افکن های "A-1" که در ناو هواپیمابر "آیزنهاور" مستقر هستند مورد پشتیبانی قرار داد. سخنگوی کاخ سفید هم اعلام کرده که فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا در لبنان اختیار تام دارد که برای دفاع از یگان های خود از توپخانه دریایی، تانکها و خمپاره اندازها و همچنین نیروی هوایی استفاده کند. و تمام اینها برای تأمین



دکور تازه در تئاتر خاور نزدیک

که این تبلیغات با هدف تدارک زمینه برای وارد آوردن ضربه بر سوریه دامن زده می‌شود. میخواهند با تلقین این دروغها به اهالی آمریکا، آنانرا برای توجیه عملیات تجساری احتمالی علیه سوریه آماده سازند. در مورد امکان وقوع این عملیات در واشنگتن دیگر آشکار گفتگو میشود. از قبول منابع آمریکایی نقل کرده اند که مشاوران ریگان از او خواستند بپرامون وارد آوردن ضرباتی از راه هوا بر مواضع سوریه و لبنان بپنند یشد. کسانیکه بنا روش کار رئیس جمهور آمریکا آشنا هستند میدانند که او برای تصمیم گیری در اینگونه موارد نیاز به وقت طولانی

بقیه در صفحه ۱۶

مردم لبنان فریب این تبلیغات مشکوک را نخواهند خورد!

ولی آقای مفسر با انکار نقش مثبت سوسیالیست ها و کمونیست ها در مبارزه مردم لبنان علیه امپریالیسم تلاش می‌کند سیاست انحصار طلبانه حاکمیت ایران را که در جهت منافع امپریالیست هاست به مردم لبنان هم القاء کند و چنین بیان می‌دارد که در پیکار کنونی در لبنان تنها مسلمانان شرکت دارند و لذا مسلمانان را به سرکوب تمام کسانی که مانند آنان نمی‌اندیشند و یا برنامه‌هایی برای سجو بهره کشی انسان از انسان و برقراری عدالت اجتماعی در لبنان دارند، تشویق و ترغیب می‌کند. این همان سیاست تفرقه افکنانه‌ای است که تنها بسود امپریالیسم در لبنان است. سیاستی که نتیجه آن مبارزه مردم لبنان را با خطر شکست روبرو می‌سازد.

و این يك خطر واهی هم نیست. همه می‌دانند که در ایران کنونی قشریها مثل آب خوردن آدم میکشند و بازار شلاق و شکنجه آذینست دگراند. پانزدهم فروردین به پیشانی زنانسی که روسریشان يك سانت عقب رفته باشد و تیغ کشیدن بر روی لبهایشان به بهانه پاك كردن

گردانندگان روزنامه جمهوری اسلامی چیست؟ کک به مردم لبنان یا کک به امپریالیسم آمریکا و صهیونیست ها؟

بدون تردید پیروزی تاریخی مردم ایران علیه رژیم آمریکائی شاه حاصل یگانگی تمام توده های زحمتکش خلق و اقشار آزاد یخواه و استقلال طلب ملت در مبارزه برای هدف مشترک، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. و درست آنچه که امروزه انقلاب را مسخ و آنرا در آستانه شکست کامل قرار داده، همانا انحصار طلبی مسلمانان قشری و سرکوب وحشیانه تمام دیگر نیروهای شرکت کننده در انقلاب توسط آنهاست. در لبنان کنونی هم، مسلمانان، اعم از سنی و شیعه همراه حزب سوسیالیست مترقی و حزب کمونیست و از همه مهمتر مبارزان فلسطینی علیه فالانزها، ارتش لبنان و ارتش های مداخله گر خارجی در شمال و جنوب کشور پیکار می‌کنند. اگر هم تا بحال امپریالیست ها و صهیونیست ها نتوانستند به تحقق تمام امیال خبیث خود در لبنان دست یابند حاصل این یگانگی و پایداری نیروهای ملی و مترقی اعم از مذهبی و غیر مذهبی است.

هفته گذشته، روزنامه جمهوری اسلامی، تفسیری بر وقایع کنونی لبنان نگاشت که محتوای آن چنین بود:

"در حالیکه شیعیان و مسلمانان لبنانی علیه فالانزها، ارتش لبنان و ارتش مداخله گر آمریکا پیکار می‌کنند، خبرگزاریهای غربی اصرار دارند بگویند که هسته اصلی مقاومت را سوسیالیست های لبنان و چپ گراها تشکیل میدهند. در سال های مبارزه علیه شاه در ایران هم عین این کار را می‌کردند تا از یکطرف سرکوب مخالفین بعنوان کمونیست برایشان آسانتر باشد و از طرف دیگر توده های مسلمان را از آلت دست کمونیست ها شدن بترسانند و از مبارزه منصرف سازند."

از این مقدمه چینی روزنامه جمهوری اسلامی نتیجه می‌گیرد که در لبنان کنونی هم مانند ایران پیش از انقلاب، چپ ها و کمونیست ها و سوسیالیست ها هیچ نقشی ندارند، بلکه فقط این توده های مسلمان هستند که با ناله "الله و اکبر" و سلاح در دست با مداخله گران خارجی و راستگرایان داخلی می‌جنگند. با خواندن این تفسیر غیر منطبق بر واقعیات طبقاً این سوال مطرح میشود که هدف واقعی

بقیه در صفحه ۱۶

نظری بر سیر ارزیابیهای حزب توده ایران از جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه ۱

نشان می دهند که همه ارزیابی های حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران - که بر پایه درک علمی و واقع بینانه از اهداف و انگیزه های امپریالیسم و ارتجاع منطقه در برهه انداختن این جنگ استوار بوده اند، علمی رشم تشبیهات گروههای مختلف و بویژه راستگرایان و تسلیم طلبان در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در تحریف این ارزیابی ها، در مراحل مختلف جنگ با دقت ریاضی درست از آب در آمدند.

حزب توده ایران مدت ها قبل از اینکه جنگ شروع شود، اطلاعات دقیقی در مورد شروع جنگ و تدارک عراق جهت این جنگ به اطلاع مردم و مقامات حاکمه رساند. در ماه قبل از آغاز تجاوز ارتش صدام به ایران، کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ای که تحت عنوان "ما هشدار میدیم!" در "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب به چاپ رسید، خبر از توطئه حمله به ایران و اشغال خوزستان و مناطق ساحلی خلیج فارس از راه دریا، زمین و هوا داد. حزب در اعلامیه خود اطلاع داد که "عراق جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم قصد دارند اینبار غرب و جنوب کشور را به اشغال در آورند و از آن پایگاه به انقلاب ایران هجوم آورند". حزب در اطلاع مخفی، که به مقامات حاکمه کشور داد، تصریح نمود، که تاریخ تقریبی شروع این توطئه اواخر شهریور می باشد.

حزب به پیروی از مثنی اصولی و انقلابی خود، در فراخوانی که در همان شماره "نامه مردم" به چاپ رسید، همزمان با دعوت همه نیروهای انقلابی به اتحاد عمل در جبهه متحد خلق پتویه خویش تمام نیروهای خود را "فراخواند که برای دفاع از انقلاب آماده شوند".

شروع تهاجم عراق به ایران صحت هشدارهای حزب توده ایران را به اثبات رساند. پس از شروع تجاوز نیز حزب ما ارزیابی خود را در قبال آن با صراحت بیان نمود. حزب در اعلامیه مورخ ۵۹/۶/۳۱ کمیته مرکزی تصریح نمود که "تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به ایران در چارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام می گیرد" و "فشار منگنه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از هر سوافزایش می یابد". تجاوز نظامی همگانی رژیم بعثی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است. رژیم مزدور بعثی عراق در توطئه جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی نقش نیروهای ضربتی را بعهده گرفته است.

علی رغم عوامفریبی و دروغگویی آقای موسوی نخست وزیر، در نطق پیش از خطبه های نماز جمعه تهران، حزب توده ایران پس از شروع

تجاوز نقشه متجاوزان را اعلام نمود و در ماهنامه دنیا مهر ماه ۱۳۵۹ اعلام نمود که "ما اطلاع داریم که در همان اولین روزهای آغاز حمله بین رئیس سازمان امنیت دار و دسته صدام و گردانندگان ضد انقلاب ایران بختیار، آریانس، فریدون جم، اویسی و مدنی در پاریس و بعداً میان بختیار و اویسی و صدام در بغداد نقشه کامل جدا کردن خوزستان و کردستان و اعلام حکومت یا اصطلاح "ایران آزاد" یعنی ایران وابسته به آمریکا طراحی شده و به تصویب نهائی طرفین رسیده است". حزب در ماهنامه دنیا آبان ۱۳۵۹ افشا نمود که "صدام به بختیار صریحاً اطمینان داده که به مجرد تشکیل دولت" جناب ایشان عراق این دولت را به رسمیت خواهد شناخت و کشورهای عربی مانند مصر و... به دنبال عراق خواهند آمد و آمریکا هم بلافاصله به این جبهه خواهد پیوست. حزب ما با درک مسئولیت تاریخی خود در قبال مردم، میهن و انقلاب تمام خلق و همه نیروهای انقلابی را به اتحاد و یگانگی و وحدت عمل زیر پرچم انقلابی دعوت نمود و همه را از هرگونه انحصار طلبی، نفاق افکنی و خودنمایی بر حذر داشت. حزب از همه اعضا و هواداران خواست که دوش به دوش همه نیروهای انقلابی و همه مردم میهن دست ایران به دفاع از انقلاب و میهن در برابر متجاوزان بپا خیزند. حزب توده ایران از همان آغاز شروع جنگ هشدار داد که "باید تا دیر نشده در باره آن شرایطی فکر کرد که امپریالیست ها و سرسپردگان نشان بتوانند جنگ فرسایشی طولانی را به میهن ما تحمیل کنند" (دنیا مهر ۱۳۵۹) و برای احتراز از این موضوع "تجدید نظر بنیادی در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در جهت تحکیم همکاری و اتحاد انقلابی میان همه نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی درون کشور و گسترش همه جانبه همکاری و دوستی با کشورها و جنبش های راستین ضد امپریالیستی... ضرورت تاریخی پیدا می کند" (همانجا).

حزب توده ایران هشدار می داد که جهت عقیم گذاشتن توطئه تجاوز، تجدید نظر بنیادی در سیاست های اقتصادی و اجتماعی انقلاب لازم است و باید "انقلاب مردمی را به سود آن طبقات دهها میلیونی زانف نشینان و کپر نشینان و پابرهنگها، یعنی زحمتکشان شهر و روستا، دهقانان و کارگران و به زیان غارتگرانی که در همین روزهای دشوار دفاع در برابر تجاوز با احتکار و گران کردن مایحتاج روزانه مردم باز هم میلیارد ها تومان از درآمد ناچیز رو به کاهش زحمتکشان می دزدند، به معنای واقعی خسود پیاده کرد" (همانجا).

حزب ما از همان

هنگام در رابطه با شرایط پایان جنگ اعلام نمود "ما خاتمه جنگ را ۰۰۰ با این شرط خواستاریم که عراق برگردد به سرحدات اولیه خودش و اگر با حرف برگردد او را ۰۰۰ به سرحدات اولیه خودش به آنجا که تجاوز شروع شده برگردانیم و سپس برای حل بقیه مسائل مورد اختلاف مذاکره شود" (پرسش و پاسخ ۱۲ مهرماه ۵۹).

توده ایها به بهای جان خود مثنی انقلابی حزب را پیاده نمودند و درستی آن را به اثبات رساندند، شهدایی که حزب ما در راه دفاع از انقلاب و میهن و دفع تجاوز تقدیم نمود، گواه بی گبریش در دفاع از انقلاب و اهداف آن، نه در حرف، که در عمل بود. همچنین پیامدهای ۳ ساله جنگ درستی و صحت این ارزیابی های حزب توده ایران را اثبات نمودند.

مماشاننگران در پیروز و تسلیم طلبان امر و ز بجای تکیه بر توده های مردم و اجرای سیاست های انقلابی، راه ذلت بار سازش را در پیش گرفتند. آنها از آغاز تجاوز و طی ماهها و سال های پس از آن، بجای اینکه از نیروی انقلابی مردم، که پس از جنگ فعالتر شده بود، جهت طغ و قمع قاطعانه ضد انقلاب و پایگاه طبقاتی یعنی سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکان زالو- صفت استفاده کنند، تحت عناوین و توجیهات گوناگون از انجام تحولات بنیادی و انقلابی به سود طبقات مردمی یعنی زحمتکشان شهر و روستا، دهقانان و کارگران و به زیان غارتگران، که با احتکار و گرانی آخرین رقم مردم را می مکیدند، طفره می رفتند. آنها نخواستند و استعدادهای را نیافتند، که از این نبرد برای شناختن و از بین بردن کمبودها و نارسائی ها در همه زمینه های زندگی اجتماعی و اقتصادی به نفع تعمیق انقلاب بهره گیری کنند. بالعکس ماشاننگران به سرمایه داران و مالکان بزرگ اجازه دادند تا از این جنگ جهت تحکیم و تقویت مواضع خود گامهای اساسی و بزرگی بردارند.

هنگامی که با قهرمانی و جانفشانی مردم ایران نیروهای متجاوز عراق در اکثریت مناطق اشغالی به پشت مرزها رانده شدند، موقعیت مناسبی جهت پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق، که ادامه آن جز به نفع امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع درون هر دو کشور نبود، بوجود آمد. تسلیم طلبان در این جا نیز پی- استعدادی و کودنی خود را به نمایش گذاردند. آنها بجای استفاده از موقعیت و استقرار صلحی عادلانه بسود هر دو ملت ایران و عراق پایمان جنگ را منوط به سقوط رژیم صدام حسین در عراق نمودند و ترمذور "انقلاب اسلامی" به عراق را به میان آوردند. راستگرایان نیز، که ادامه بقیه در صفحه ۹

نظری بوسیر ارزاییهای حزب توده ایران از جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه ۸

جنگ توأم با مماشائگری تسلیم طلبان، بهترین زمینه را جهت مسلط گشتن آنها در د ر و ن حاکمیت فراهم آورده بود، در شیبور جنگ میدند. لذا با ورود نیروهای مسلح ایران به خاک عراق مرحله جدیدی در جنگ میان ایران و عراق آغاز گشت.

در این مرحله نیز، علی رقم فشارهای بیشمار حاکمیت، حزب توده ایران با بیان نظریات صریح و روشن خود تلاش بسیار نمود، که توطئه امپریالیستی فرسایشی نمودن جنگ را عقیم گذارد. حزب ما از همان هنگام هشد ارداد که ورود نیروهای ایران به خاک عراق و ادامه جنگ گرفتار آمدن در دام آمریکا است. حزب متجاوز از یکماه قبل از مرحله جدید جنگ، در سند حزبی در ۱۵ خرداد ۶۱ اظهار داشت، که "به نظر ما در مرحله کنونی آمریکا با تمام قوا مخالف پایان یافتن جنگ است و با تمام قوا برای تدارک در جهت توسعه دادن آتش جنگ در مجموعه منطقه تلاش می کند. . . . علتش هم قابل فهم است، برای این است که این جنگ تا بحال فقط به امپریالیسم و صهیونیسم فایده رسانده است. . . . به نظر ما این جنگ به سود امپریالیسم است و در آینده هم بسود امپریالیسم است و یسه همین جهت امپریالیسم نقشه های گوناگونی برای توسعه این جنگ در پیش دارد. . . . از این جهت ما امیدوار هستیم که حاکمیت جمهوری اسلامی، در مسئله تحول آینده، اوضاع سیاسی منطقه، دچار سازه نگری بعضی از مسئولان نظامی و اجتماعی نشود و با یک دید خیلی دقیق و همه جانبه و با همکاری و مشورت با کلیه نیروها و کشورهای که در جهت پشتیبانی از انقلاب ایران و در جهت مبارزه برای کوتاه کردن نفوذ امپریالیسم آمریکا در منطقه عمل می کنند، و با در نظر گرفتن تمام نظرات نیروهای اجتماعی فعال در خود عراق و در سایر کشورهای خلیج فارس سیاست خود را تنظیم کند."

حزب ما مجدداً در سند حزبی دیگر مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۱ هشدار داد که "نقشه امپریالیسم این است که در صورت ورود ارتش ایران به خاک عراق، با دادن همه کمک ها و امکانات به عراق. . . . یک جنگ فرسایشی طولانی رایه ما تحمیل نماید. . . . به این ترتیب ما در این باره فقط می توانیم این چیزی را که تا بحال گفتیم تکرار کنیم: که توطئه بسیار خطرناک و دامنه داری در برابر ما در شرف تکوین است و ما با احساس کامل مسئولیت تاریخی این مسئله را تکرار میکنیم." حزب توده ایران پیچ بودن تزلزل و "انقلاب اسلامی" را نیز با صراحت و روشن بینی اثبات می نمود و دخالت دولت ایران در امور داخلی خلق برادر عراق و تلاش جهت تحمیل یک حکومت دست نشانده در عراق را مغایر

منافع خلق های دو کشور می دانست. حزب ما گوشزد می نمود که "برانداختن رژیم صدام در درجه اول کار نیروهای مبارز انقلابی، میهن دوست و ضد امپریالیست در داخل کشور عراق است. نمی شود از راه نظامی این مسئله را حل کرد. تا نیروهای داخلی عراق آماده نباشند و به اندازه کافی نیرو جمع نکنند، مسئله بر سر انداختن صدام به اشکال دیگر می تواند جنبه های منفی زیادی به همراه داشته باشد (همانجا)."

حزب ما اعتقاد داشت و دارد که برانداختن صدام فقط یک راه دارد و آنهم کمک مؤمنان و همه جانبه به نیروهای انقلابی عراق است. حزب اظهار می داشت که "بایستی همه نیروهایی که در اطراف عراق، هوادار تحولات انقلابی در عراق هستند، به نیروهای واقعی انقلابی و ضد صدام در داخل عراق همه جانبه کمک برسانند، تا این که این عنصر خطرناک و دارو دستبسته خطرناک از حاکمیت عراق برانداخته شوند و در

حزب توده ایران اعتقاد دارد که نقش زحمتکشان در پایان دادن به این جنگ فرسایشی، امروز بیش از پیش اهمیت میابد. آنها با اعلام مواضع منفی خود در رابطه با ادامه این جنگ بیپرده، قادرند حاکمیت جمهوری اسلامی را به تجدید نظر در سیاست ادامه جنگ وادارند.

عراق یک رژیم مردمی، متکی به تأییدات اکثریت مطلق مردم عراق روی کار بیاید (همانجا) حزب توده ایران در رابطه با سیاست تنگ نظرانه و نفاق افکنانه ای که حاکمیت جمهوری اسلامی در پیوند با نیروهای داخلی عراق اعمال می نمود و تلاش داشت که گروه کوچکی را بعنوان نماینده اکثریت مطلق مردم عراق وانمود سازد هشدار می داد، که "به نظر ما هرگونه کوششی برای نفاق افکندن در داخل جبهه میهنی عراق، در داخل نیروهایی که الان آماده مبارزه جدی برای برانداختن صدام هستند، عملاً کفکی است به صدام و عملاً باعث خواهد شد که صدام را در موقع خودش تثبیت کند" (همانجا).

مدت زمان زیادی لازم نبود تا ارزیابی های حزب ما، در راه مرحله جدید جنگ، صحت خود را در عمل به ثبوت برساند. هر روز که بیشتر از ادامه این جنگ می گذرد، مضر بودن آن به حال خلق های ایران و عراق و کلیه خلق منطقه بیشتر آشکار می گردد.

کوشش های ایران جهت نفوذ به خاک عراق بنا چندان موفقیتی روبرو نگردیده و جنگ بمو ر ت جنگی فرسایشی و بیپرده درآمده کسه هزاران ایرانی و عراقی را قربانی خود نموده و

امکانات عظیم مالی دو کشور را می بلعد و پس از گذشت ۳ سال هنوز در نمائی برای پایان یافتن آن دیده نمی شود. ادامه بیپرده جنگ روند سازش و تسلیم مماشائگران را به راستگرایان تشریح نمود و امروز به صورت وسیله ای جهت سرکوب هرگونه خواست به حق زحمتکشان و توجه به تعویق انداختن حل معضلات جامعه و عدم انجام تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی در آمده است.

روند فاجعه آمیز ادامه جنگ فرسایشی علاوه بر پیامد های منفی که در درون کشورمان بجای گذاشته تأثیرات بسیار منفی مخربی نیز در اوضاع منطقه داشته است. این جنگ که امکانات ما دی و انسانی دو خلق برادر ایران و عراق را به کام خود میبرد، بهترین زمینه را جهت ترکنازی امپریالیسم و صهیونیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در لبنان فراهم آورده است. حاکمیت جمهوری اسلامی بجای ناله کردن بر سر نوشت مردم لبنان در نمازهای جمعه خود به تر است تلاش نماید که هر چه زودتر این جنگ فرسایشی پایان یابد. جنگی که با تفرقه در میان خلقهای منطقه دست امپریالیسم آمریکا را جهت جنایات خود در لبنان باز گذاشته است.

هواپیماهایی که قرار است از طرف امپریالیسم فرانسه در اختیار دولت عراق قرار داده شود حکایت از تلاش امپریالیستها جهت افزایش دامنه این جنگ خانمانسوز می کند. این تشبیهات دلالی باز هم بیشتری جهت لزوم پایان این جنگ بدست می دهد. ولی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بجای اینکه سعی نماید با خاموش نمودن شعله های جنگ فرسایشی، این توطئه امپریالیستی را عقیم گذارد با تهدید به بستن تنگ هرمز به امپریالیسم آمریکا جهت حضور نظامی هر چه بیشتر در منطقه و افزایش تشنج اوضاع منطقه بهانه می دهد.

با توجه به اوضاع درونی کشور و همچنین اوضاع منطقه، حزب توده ایران اعتقاد دارد که نقش زحمتکشان در پایان دادن به این جنگ فرسایشی، امروز بیش از پیش اهمیت می یابد. آنها با اعلام مواضع منفی خود در رابطه با ادامه این جنگ بیپرده، قادرند حاکمیت جمهوری اسلامی را به تجدید نظر در سیاست ادامه جنگ وادارند. سخن کوتاه! هر روز که بیشتر از ادامه این جنگ بیپرده و فرسایشی می گذرد، نظر حزب توده ایران در مورد جنگ مبنی بر اینکه ادامه جنگ بسود امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع درون دو کشور و منطقه بوده و لازم است هر چه زودتر به آن خاتمه داد، بیشتر به اثبات می رسد.

حزب توده ایران طی مراحل مختلف سه سانه جنگ، وظیفه میهنی و انقلابی خود را در قبال آن انجام داده است. سیر واقعیات، صحت ارزیابی های حزب ما را با دقت ریاضی نشان داده است. ما اطمینان کامل داریم که آینده باز هم بیشتر صحت ارزیابی های حزب ما را به مردم انقلابی ایران و نیرو های انقلابی ایران و جهان نشان خواهد داد.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

باید به جنگ غیر ضروری پایان داده شود!

بقیه از صفحه ۱
 دهند، هواپیماهای سوبر اتاندارد و موشک های
 اگزوست به او می دهند.
 - اگر امپریالیسم آمریکا نهان و عیان به رژیم
 عراق کمک می رساند،
 - اگر ارتجاع عرب با کمک های مالی و فنی و
 نفراتی عملا در کنار این رژیم قرار می گیرد،
 - اگر ارتش استعماری فرانسه در سرکوب نیسرو
 های آزاد یخواه در چاد مستقیما شرکت می کند،
 - اگر امپریالیست های فرانسوی و آمریکائی رأسا
 و هر روز با شدت بیشتری وارد جنگ علیه مسردم
 میهن دوست لبنان می شوند،
 - اگر نژاد پرستان صهیونیست اسرائیلی روزانه
 به جنایت جدیدی علیه خلق عرب فلسطین و دیگر

خلقهای خاورمیانه دست میزنند،
 - اگر امپریالیسم آمریکا در السالوادور، نیکاراگوئه
 و دیگر کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین به سر -
 کوب جنبش های آزاد بیخش و انقلابات ضد امپری -
 یالیستی و مردمی مشغول است و عوامل آن در
 فیلیپین، پاکستان و ترکیه به همین وظیفه ضد
 خلقی عمل می کنند،
 - اگر امپریالیست ها با اقدامات مفسده جوینانه
 علیه کشورهای سوسیالیستی و علیه صلح جهانی،
 تشنج را در جهان دامن میزنند و هر روز بیشتر
 و بیشتر تدارک یک جنگ خانمانسوز جهانی را
 با مدرن ترین سلاحهای امحاء دسته -
 جمعی می بینند،
 آری، اگر اینروزها که سیاست جهانی امپریالیسم

و ارتجاع در سراسر گیتی دامن زدن به تشنج در
 جهان و تشدید خطر جنگ هسته ای است، کسی
 که به هیستری جنگ و تشنج در هر نقطه از جهان
 بهر بهانه و تحت هر عنوان دامن بزند، از جمله
 به عنوان " صدور انقلاب اسلامی " و به بهانه
 " انتقام گرفتن از صدام "، خواسته یا ناخواسته
 یار امپریالیسم و عامل اجرای سیاست جهانی
 اوست!

ادامه غیر ضروری جنگ علیه منافع خلقهای ایران و عراق

هدف از ادامه جنگ غیر ضروری بین ایران و
 عراق، همانطور که بارها از طرف مقامات جمهوری
 اسلامی ایران اعلام شده است، " صدور انقلاب
 اسلامی به عراق " و ایجاد یک " دولت
 (دست نشانده) اسلامی " حاکم بر سرنوشته
 مردم عراق است! دولتی که همانند حاکمیت
 جمهوری اسلامی ایران به سرکوب همه دگرس
 اندیشان بپردازد و محققان علیه آزاد یخواهان
 را تشدید کرده، مواضع سرمایهداری وابسته را
 در عراق هم تثبیت سازد!

با این اعترافات روزانه مقامات عالیرتبه ج ۱۰۱۰
 روشن است، که هدف از ادامه این جنگ، نه
 حفظ تمامیت ارضی ایران است و نه تأمین منافع
 ملی ایران، بلکه مقصود از ادامه جنگ دنیال
 کردن اهداف خیالی پردازانه و توسعه گرانسه
 حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و ایجاد دولت
 (دست نشانده) اسلامی در عراق، یعنی سلب
 حق تعیین سرنوشت مردم عراق و نه، انظوری
 که مدعیند، کمک به آنها برای سرنگونی صدام و
 ایجاد یک دولت دلخواه خود!

آری هدف از ادامه جنگ لگد مال کردن حق
 تعیین سرنوشت خلقهای دیگر و تحقق اهداف
 خیالی پردازانه است، که در آن جوانان و نسو -
 جوانان میهن ما به گوشت دم توپ تبدیل می -
 شوند، انقلاب میهن ما و اهداف آزاد یخواهانه و
 استقلال طلبانه آن فدا می شود، به تشنج در
 منطقه دامن زده می شود و با تهدید به بستن
 آبراه تنگ هرمز به جا افتادن و مقبول شسیدن
 سیاست مزورانه و بیبانه جویانه امپریالیستی، مبنی
 بر لزوم دفاع از " منافع
 حیاتی امپریالیسم آمریکا و کشورهای سرمایهداری "
 در خلیج فارس، توسط امپریالیسم آمریکا و دست
 سپاه تجاوز سرخ آن در افکار عمومی جهان کمک
 رسانده می شود!

زحمتکشان پایان جنگ را می طلبند

مدتها است، که وقت آن رسیده است، که
 یک سیاست ملی و در خدمت منافع زحمتکشان راه
 پایان جنگ غیر ضروری ایران و عراق را بیا سازد.
 لزوم اعمال این سیاست را زحمتکشان میهن ما
 هر روز بیشتر احساس می کنند و آنرا مطرح می -
 سازند. باید همه میهن دوستان با تمام توان
 برای تحقق این خواست زحمتکشان، به کمک آنها
 بشتابند. زیرا بدون آمادگی توده های میلیونی
 زحمتکشان شهر و ده برای پافشاری بر روی این
 خواست میهن دوستانه خود، حاکمیت جمهوری
 اسلامی ایران در این راه قدم نخواهد گذاشت!

نه! آقای رئیس جمهور!...

بقیه از صفحه ۴
 خود و شاید برای دل داری دادن به خود!
 به یاد " همراهی ها " و ایثارگری ها و طبیعت
 و روحیه مردم ما " افتاد و چند جمله ای به زبان
 راند و با همان لحن آفرانه و تحکم آمیز برای
 " آن کسانی، که این روحیه و احساس را هنوز از
 آن رژیم گذشته برای خود نگاه داشتند، که در مقابل
 مقررات دولتی آن چنانکه لازم است تسلیم
 نشوند " خط و نشان کشید، که آنها " باید
 بدانند که وضع حکومت اسلامی اینگونه است! "
 حجت الاسلام خامنه ای، به نقل خاطره ای می -
 پردازد:

می گویند:
 " بنویسید، بخاطر خدا، فکری بسرای آب
 آشامیدنی حدود دو، سه هزار خانوار، ساکن
 منطقه گلزار ۰۰۰ بکنند ۰۰۰ " (اطلاعات، ۵
 شهریور)
 می گویند:
 " در منطقه زیبا دشت ۰۰۰ دو سه هزار
 خانوار زندگی می کنند که با داشتن جسوا از
 شهرداری خانه سازی کرده اند. این خانوارها
 که در حال حاضر آب آشامیدنی ندارند، از سازمان
 های مسئول انتظار کمک و همراهی دارند. ۰۰۰ "
 (اطلاعات، ۱ شهریور)

و این تنها تریبارنی است، از سیلاب توفنده
 اعتراض مردم ۰۰۰ تنها کسانی پر ایستادن
 واقعیات چشم می بندند، که چیزی بیشتر از
 سهمشان، برای از دست دادن، دارند!
 امام جمعه تهران، در پایان خطبه خود نتیجه
 می گیرد:
 " واجب الاطاعه بودن این دستگاه و تشکیلات
 ۰۰۰ یک چیزی است مخصوص دولت اسلامی ۰۰۰
 این را دیگران ندارند ۰۰۰ "
 بی کم و زیاده، ما نیز با این حکم موافقیم و پی
 ذرهای تردیده زیر آن را امضا می کنیم! ایمن
 ویژگی هم از خصوصیات جمهوری اسلامی است،
 که به برکت ترور و شکنجه مدافعان انقلاب و زیر
 سر پشوش سری یک اختناق سازمان یافته و
 سرکوبگر بدست آورده و " با افتخار " از آن
 " حراست " می کند. امری که در واقع، به وظیفه
 روز حاکمیت بدل شده است. اما مردم بیدار و
 بیدار کننده، ما هم، وظیفه خود را دارند و آنرا
 بخوبی می شناسند. به قول رفیق شهید
 هوشنگ تیزیان:

" مردم سرزمین ما پیادگان بی اراده، یک
 شطرنج پیچ نیستند! "

۰۰۰ دو سال قبل از این ۰۰۰ پیغام
 دادیم، خطاب کردیم به مردم ۰ گفتیم یک قدری
 آب را کمتر مصرف کنید. از لحاظ آب در مضیقه
 بودیم. برای من نامه نوشتند، از مردم محلات
 پائین شهر که فلانی اگر شما ها بگوئید، آب را با
 قطره چکان هم بخوریم، حاضریم ۰۰۰ ایمن
 طبیعت و روحیه مردم ماست ۰۰۰ "
 بله! این طبیعت و روحیه مردم ماست! مردمی
 که بر اساس ادعاها و وعده و وعید های شما - سر
 نوشت خود را به دست شما سپردند. خسود را
 در محرومترین ریفای خود آتش زدند، تا
 انقلاب بر جای بماند. فرزندان نشان رادردیائی
 از خون غسل دادند، تا انقلاب به جای بماند،
 و با پشت دوتا، پینه دست و گرانی افراشته،
 کار کردند و رزمیدند و ساختند، تا انقلاب بر جای
 بماند: این طبیعت و روحیه مردم ماست! ولی
 این " طبیعت و روحیه " ابعلا د دیگری هم
 دارد. همان کسانی که حاضر بودند " با قطره
 چکان " آب بخورند، اکنون که پس از دو سال می
 می بینند، وضع بهتر که نشده، بدتر هم شده، به
 اعتراض بر می خیزند و می گویند:
 " بنویسید، بچه های شهرک مسعود پیسه،
 اغلب شبها، تشنه سر به بالین می گذارند. ۰۰۰ "
 (کیهان ۸۴ تیر)

کمونیست‌ها و دمکرات‌ها از توده‌ای‌های دربند دفاع می‌کنند

آلمان فدرال

در تاریخ نهم سپتامبر (۱۸ شهریور) در تنسیتی که حزب کمونیست آلمان، شعبه کلی به عنوان همبستگی با حزب توده ایران برگزار نمود، حاضرین در جریان وقایع اخیر ایران - اعمال فشار و تضيیقات علیه حزب و اعضای آن قرار گرفتند و ضمن محکوم نمودن این اعمال، یکصد آزادی زندانیان توده‌ای و کلیه دمکرات‌های دربند و از سر گرفتن فعالیت قانونی حزب توده ایران را خواستار گردیدند و بر لزوم اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت دیدار با زندانیان تأکید ورزیدند. آنان همچنین، کلیه نیروهای ترقیخواه را به پشتیبانی از حزب توده ایران فراخواندند.

اعضای انجمن دوستی میان خلق‌های کوبا و آلمان فدرال در اولد نیورگ طی نامه‌ای که به سفارت جمهوری اسلامی ایران در برن ارسال کردند، با اشاره به وقایع اخیر ایران به بازداشت و شکنجه و آزار رهبران و اعضای حزب توده ایران شدیداً اعتراض نمودند و اعمال تضيیقات بر علیه حزب توده ایران - این مداخله پیگیر منافع زحمتکشان را در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا دانستند.

امضاء کنندگان نامه، ضمن برشمردن خصوصیات انقلاب‌های رها نیبخش و وجه مشترک عهد آنها که همانا مبارز علیه استعمار و امپریالیسم است، به تشریح توطئه‌های آمریکا علیه انقلابات کوبا و ایران پرداخته، به نقش مهمی که اردوگاه سوسیالیسم در دفاع از این انقلابات برعهده دارد، اشاره کرده‌اند. آنان پیروزی انقلابات را در بهبود بخشیدن به وضع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان دانسته و بدین مناسبت، جوخه‌خقان و ترور موجود را در مورد سازمان‌های مترقی مدافع انقلاب و اعضای آنها که مانع از پیشبرد این امر می‌گردند، مردود دانستند. اعضای "انجمن دوستی میان خلق‌های کوبا و آلمان فدرال"، در خانه، خواستهای زیر را مطرح ساختند:

- پایان بخشیدن به تعقیب و پیگرد اعضا و هواداران حزب توده ایران و آزادی کلیه زندانیان توده‌ای،
- قطع فوری شکنجه‌ها در مورد بازداشت‌شدگان - موافقت با اعزام هیأتی بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت دیدار با زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک.

اسپانیا

کمیسیون‌های کارگری مناطق کاتالونیا و بارسلن، طی مخابره تلگراف‌هایی به رئیس‌مجلس شورای اسلامی در سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا، بنام کارگران این مناطق، نسبت به اعمال تضيیقات در مورد حزب توده ایران و شکنجه و آزار اعضای آن شدیداً اعتراض نموده، آزادی پلاد رنگ زندانیان توده‌ای و سایر

مبارزین ضد امپریالیست در بند را خواستار گردیدند.

اتحادیه عمومی زحمتکشان ناحیه کاتالونیا (وابسته به حزب سوسیالیست) اعتراضات شدید خود را نسبت به اعمال روش‌های غیرقانونی و ضد بشری علیه حزب توده ایران و سندیکا‌های کارگری، و اعضای آن، ضمن مخابره تلگرافی به مقامات جمهوری اسلامی اعلام داشتند و خواستار پایان دادن به این اعمال گردیده است.

بریتانیا

در شماره پنجمین هفتم سپتامبر (۱۷ شهریور) روزنامه مورینگ استار، ارگان حزب کمونیست بریتانیا، مقاله‌ای بقلم پتر اداسی، دبیر "کمیته دفاع از انقلاب ایران" در بریتانیا بچاپ رسیده، که طی آن جریانات اخیر ایران و وقایعی که انقلاب کشور ما را به سرانجام سقوط کشانده است و از جمله سرکوب حزب توده ایران و سایر نیروهای مدافع انقلاب ایران، بررسی گردیده است. نویسنده مقاله همچنین به تاریخچه تشکیل "کمیته دفاع از انقلاب ایران" در بریتانیا، بابتکار افراد مترقی این کشور و دوستان آنان انقلاب میهن ما اشاره نموده و اهداف مردمی انقلاب و تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را با بهره‌گیری از زمینه‌های اقتصادی - سیاسی موجود، جهت منجر ف

کردن و به نابودی کشاندن آن تشریح کرده است.

در پایان مقاله، بنام "کمیته دفاع از انقلاب ایران"، بار دیگر طی فراخوانی از کلیه دمکرات‌های بریتانیا خواسته شده است که ضمن محکوم کردن جنایات حاکمیت جمهوری اسلامی در حق اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای ضد امپریالیستی، برای آزادی آنان از بند تلاش کنند و در راه تحقق این هدف، از خواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، پشتیبانی کنند.

ریزوسپاستیس:

بقیه از صفحه ۳ و طرفدار زحمتکشان و تهنی‌دستان است، غیرمترقبه نیست. به همین خاطر نیز هست، که سرکردگان جمهوری اسلامی در اعلامیه‌ها و نطق‌های بی‌دری خود، بر نابودی و ریشه‌کس کردن حزب توده ایران تأکید می‌کنند.

ریزوسپاستیس در خانه با توجه به سخنان دادستان کل زندان اوین، مبنی بر اینکه رهبران در بند حزب توده ایران اعدام خواهند شد، همبستگی بین‌المللی با کمونیست‌های ایران را برای نجات جان آنان، فوری‌ترین وظیفه اعلام کرده است.



دکتر هربرت اینگر، نویسنده آمریکایی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در حال سخنرانی در مراسمی که در رابطه با همبستگی با زندانیان توده‌ای در لوس‌آنجلس برگزار گردید (شماره ۵۸، شماره ۵۸ آمده بود).

در هفته‌ای که گذشت:

به فراخور حال خود یک تاز میدان شد مانند تا دیروز دانشجویان مورد تهدید عوامل آشکار و نهان ساواک در دانشگاه‌ها قرار میگرفتند و امروز "انجمن اسلامی" مأمور کنترل و زیر نظر قرار دادن دانشجویان هستند.

"تفتیش عقاید" که با امتحان ورود به دانشگاه توسط "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" انجام می‌شود، در طی دوران تحصیل دانشجویان نیز ادامه داشته و آنان همواره تحت کنترل "انجمن‌های اسلامی" بوده و کلیه اعمال و رفتار و گفتار دانشجویان دقیقاً مورد پیکاری قرار می‌گیرد. بگذریم از اینکه پس از خاتمه تحصیلی نیز کابوس "تفتیش عقاید" دست بردار نیست و بهنگام استخدام و ... باز ظاهر می‌شود.

درگیریها و اختلافات و باند بازیهای بین "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" و "انجمن اسلامی" و "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" و ... هم مزید بر وضع آشفتگی و نابسامانی آموزش عالی شده و دانشگاه‌های بازگشایی شده نیز دائماً در معرض تشنج و تعطیل قرار داشته‌اند.

بقول معروف "آش آنقدر شور است که خان هم فهمیده است" و روزنامه "صبح آزادگان" (۱۶ شهریور ۶۲) در سرمقاله خود بنام "دانشگاه و انقلاب" می‌نویسد:

"این مسائل کم و بیش ادامه داشت تا اینکه اقدام به گشایش برخی از موسسات گردید ولی در عرض توجه تمامی ارگان‌ها و نهادهای مسئول به اداره موسسات بازگشایی شده به نحو احسن، درگیری‌های پنهانی به درون دانشگاه کشیده شد. در یکسو نیروهای انجمن اسلامی حصار آهنین پیرامون خود کشیده و تصور می‌کردند که تافته‌های جدا بافته هستند و باید به دیگر دانشجویان فخر یغوشند و در سوی دیگر جهاد دانشگاهی تمامی امور اجرایی و آموزشی را در انحصار گرفته بود. روزی استاد در اثر برخورد با عناصر غیر مسئول توانائی تدریس نداشت، روز دیگری بدلیل برگزاری مراسمی از سوی برخی دانشگاه‌ها تعطیل می‌شد. زمانی با نسیب اطلاعاتی غیر منطقی جو متشنج می‌گردید. زمان دیگری تمامی امکانات در اختیار گروه خاصی قرار میگرفت."

آری، تنها از مغان فاجعه‌ای که بنام "انقلاب فرهنگی" در کشور انجام شد، انهدام فرهنگی است.

سمتگیری

سیاست باززگانی بطرف غرب

عسکر اولادی، وزیر سابق باززگانی، که سیاست ضد ملی باززگانی خارجی و ضد مردمی توزیع داخلی‌اش معرف حضور ما و خاص است، بعد از اینهمه جار و جنجال، مجبور شد جلی خود را به وزیر جدید باززگانی، حسن عابدی جعفری بدهد.

وزیر جدید باززگانی بلافاصله پس از تصدی بقیه در صفحه ۱۲

بخاطر چسباندن تراکت مرگ بر آمریکا بر دیوار مدرسه، اخراج و عدم نام نویسی دانش آموزان انقلابی دگراند پیش به جرم تودهای، اکثریتی و مجاهد، از جمله اقدامات این نیروهاست.

کلاس‌های درس در سال تحصیلی جدید، بیش از سال گذشته شاگردان نوجوان خود را در جنگ فرسایشی از دست داده‌اند. نوجوانان جوانی که، با ایشار جان از تمامیت ارضی میهن انقلابی دفاع کردند و اکنون خون پاکشان وشیقه تحکیم خائنه، مواضع راستگرایان و قیضه حاکمیت ج ۱۰۱۰ از سوی آنان با تحمیل نظام غارتگر سرمایه‌داری به میهن ما شده است.

آمار قبولی‌ها و ردی‌های سال گذشته نیز بیانگر وضع تأسف‌بار آموزشی است. در ۴ سال تحصیلی گذشته اکثر دانش آموزان، بویژه در دوره راهنمایی و دبیرستان، تجدید یسار شدند. در روستاها وضع به مراتب بدتر است. باید گفت با سیاستی که حاکمیت ج ۱۰۱۰ در پیش گرفته، مشکلات آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران بیشتر و عمیقتر خواهد شد.

فاجعه‌ای بنام "انقلاب فرهنگی"

چندی پیش در ترکیب "ستاد انقلاب فرهنگی" تغییراتی بوجود آمد. بدون تردید هیچگونه انتظاری نباید داشت، که ترکیب جدید این ستاد در جهت رفع سیاست خرابکارانه و فرهنگ زدائی ترکیب قبلی عمل کند و اصولاً نمی‌تواند خارج از چهار چوب سیاست ضد انقلابی راستگرایان حاکم برج ۱۰۱۰ عمل نماید. راستگرایان تا می‌توانستند به بهانه‌های گوناگون مانع بازگشایی دانشگاه‌ها شدند و با اخراج و تعلیق گسترده استادان و دانشجویان با تعهد نامه‌های رنگارنگ و ضد قانون اساسی و ارائه پرسشنامه‌های سراپا غیرقانونی، کشور را از کادرهای متخصص محروم کرده، فرهنگ رستاخوردورویی را اشاعه داده و جو علم ستیزی را گسترش می‌دهند.

یکی از بهانه‌های تعطیل دانشگاه‌ها پایان دادن به "فعالیت‌های خرابکارانه" ضد انقلاب راست و چپ نما "در دانشگاه‌ها عنوان می‌شد. ولی با تعطیل شدن دانشگاه‌ها و تصفیه وسیع نیروهای دگراندیش و کسانی، که نظری غیر از نظر حاکمیت داشتند، روشن شد که سرنوشت آموزش کشور، که آینده میهن به آن بسته است، باز چه امیال و تعلقات گروهی افرادی شده است که به تنها چیزی که نمی‌اندیشند سرنوشت کشور و آینده صدها هزار از جوانان میهن است.

از یکسو عده‌ای درون "ستاد انقلاب فرهنگی" تیشه به ریشه فرهنگ و آموزش کشور زدند، و از سوی دیگر ارگانها و گروه‌هایی چون "جهاد دانشگاهی" و "انجمن اسلامی" و ... هر یک

۱۳۶۲، آغاز پنجمین سال تحصیلی پس از انقلاب ۲۲ بهمن

پنجمین سال تحصیلی پس از انقلاب ۲۲ بهمن در حالی آغاز می‌شود، که انقلاب در سرایش تسند سقوط است. غول گرانی، که به سر و ش زحمتکشان میهن ما سوار است، با باز شدن مدارس سنگینتر شده و فشار بیشتری بر زحمتکشان وارد می‌کند.

روزنامه "کیهان" (۱۴ شهریور ۶۲) طی مصاحبه‌ای با یکی از خریداران لوازم التحریر نوشت:

"من پدر پنج فرزند قد و نیم قد هستم که با شروع سال تحصیلی باید برای همه آنها وسایل تحصیل فراهم کنم. من این چندروزه اخیر برای یافتن لوازم تحصیل بچه‌هایم به قیمت مناسب تقریباً به تمام مغازه‌ها سرزده‌ام اما جای تعجب است که یکی از این مغازه‌ها نبود که دفتر، قلم، پاک‌کن و مداد خود را طبق قیمت‌های دولتی بفروشد. قیمت‌ها چند برابر قیمت‌های سال گذشته است و در مورد بعضی از کالاها نظیر کیف مدرسه افزایش قیمت به حدود ۵ برابر رسیده است."

پرداخت شهریه را نیز که به عناوین مختلف از جمله تحت عنوان "کک به مخارج مدرسه" از سوی مسئولین مدارس طلب می‌شود، باید به مخارج تحصیل افزود.

علاوه بر بار گرانی طاقت فرسایی که بردوش زحمتکشان، سنگینی میکند و باعث می‌شود که هر سال تعداد بیشتری از دانش آموزان ترک تحصیل کرده و برای امرار معاش خود و خانواده راهی کارگاهها شوند، سیاست‌های تضییعی راستگرایان، که توسط عواملی چون "انجمن اسلامی" و "مریضان تربیتی" و ... بر علیه دانش آموزان و معلمین و مسئولین دلسوز مدارس وارد می‌شود نیز همچنان با شدت بیش از پیش ادامه دارد.

تا کنون، بویژه در سال گذشته نیروهای راستگرا و عناصر مشکوک تلاش داشتند تا با رفتاری غیر انسانی در محیط‌های آموزشی جو ارباب و فشار بوجود آورند و با آزار بیش از حد معلمان و دانش آموزان، آنها را ناراضی و دلسرد کنند.

پاکسازی معلمان متعهد و باتجربه، اخراج دانش آموزان از مدرسه به بهانه نداشتن حجاب متناسب، رفتار و برخورد اهانته آریز انجمن‌های اسلامی با دانش آموزان و معلمان و حتی مورد بازجویی قرار دادن آنان و دخالت در کلیه امور مدرسه، گرفتن تعهد نامه‌های چند ماده‌ای از سوی مسئولین، اخراج دانش آموزان بجرم دفاع از بند "ج" و قاتلین ملی شدن تجارت خارجی در طی انشاء و یا

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

پست وزارت، با وزیر بازرگانی پاکستان آمریکازده دیدار کرد و خاطر او و اربابانش را از بابت اینکه مخلصانه سیاست بازرگانی عسگر اولادی را ادامه خواهد داد، آسوده کرد.

" خرید ما از پاکستان نه بعلت ارزان بودن کار و یا بهتر بودن کیفیت آن و نه بعلت همسایه بودن است، بلکه بعلت اینست که ما روایط معتقدی بر اساس اسلام با مردم (بخشوان با ضیا الحق) پاکستان داریم" (حسن عابدی جعفری بهنگام دیدار با وزیر بازرگانی پاکستان، اطلاعات، ۲۰ شهریور ۶۲).

و این سیاست حتی به قیمت متضرر ساختن مردم میهن ما اعمال می شود:

"چرمی که این روزها به ما می دهند، بیشتر چرم پاکستان است. گذشته از این که مقدار آن کافی نیست، از نظر کیفیت نیز ۰۰۰ بسیار نامرغوب است" (حاج حبیب چمن پیرا، کفاش تبریزی، اطلاعات، ۱۰ شهریور ۶۲).

وزیر جدید بازرگانی از راه نرسیده حاتم بخشی پیشه کرده، بحساب کیسه مردم بزدل و بخشش میکند! اینکه کالاهای رژیم نظامی پاکستان ارزان باشد یا نباشد، مرغوب باشد یا نباشد، مسافت حمل کالا کم باشد یا نباشد برای وزیر جدید بازرگانی علی السویه است؛ آنچه که برای وی اهمیت دارد "روایط اعتقادی پراساس اسلام" با رژیم آمریکا زده پاکستان است! خرج که از کیسه میهن بود

حاتم طلائی شدن آسان بود! وزیر جدید بازرگانی با اعلام اینکه "سعی در وارد کردن کالاهای سرمایه ای بمنظور بسا لا بردن سطح تولیدات داخلی و رسیدن به خودکفایی" (۱) خواهد نمود، سمت گیری سیاست بازرگانی را اعلام کرد.

در اینجا تذکر این نکته ضرور است، که افزایش واردات کالاهای سرمایه ای بخودی خود نشانگر رشد سالم صنعتی نیست و بستگی به ترکیب و کاربرد نهایی آنها دارد. فقط آن کالا های سرمایه ای، که هدفش رشد صنایع کلیدی باشد میتواند موجب رشد سالم صنعت و رسیدن به خودکفایی باشد (رجوع شود به مقاله سخنی چند پیرامون برنامه پنجساله دولت "راه توده" شماره ۵۹).

در این سیاست اعلام شده حتی کلمه ای هم از توزیع داخلی، که برای مردم اهمیت حیاتی دارد، آورده نشده است! به محض بزرگ اجتماعی یعنی احتکار، گرانی، کمبود و غیره مطلقا اشارهای نشده است!

چنین است آینده سرنوشت سیاست بازرگانی خارجی و توزیع داخلی از گیر دزد درآمد، به گیر رمال افتاد!

بازدید!

در روزهایی که مردم جهان شاهد اوج جنبش اعتراضی علیه رژیم دیکتاتوری ژنرال ضیا

الحق در پاکستان هستند، در روزهایی که مردم پاکستان با سنگباران از ژنرال ضیا الحقی استقبال کرده و او را مجبور به فرار می کنند، درحالی که هنوز چند روزی از یازده مقامات بلند پایه پاکستانی از ایران نگذشته، وزیر امور خارجه ج ۱۰۱۰. دز اسلام آباد مورد استقبال گرم همتای خود قرار گرفته و ضمن اظهار خرسندی از حضور در پاکستان، روابط دو کشور را عالی توصیف می کند و در خصوص توسعه روابط دو جانبه به بحث و تبادل نظر مینشیند.

سردمداران ج ۱۰۱۰ که همکاران دوستان خویش را در وجود رژیمهای دیکتاتوری و دست نشانده آمریکا در منطقه باز یافته اند به اینسن دلیل به ملاقاتهای بی دریغی با مقامات بلند پایه رژیم دیکتاتوری، که دستش تا آستین درخون مردم پاکستان آلوده است، می پردازد تا، بقول رئیس جمهور، "این روابط از دست دشمنان آن مصون بماند"!!

از سوی دیگر خیرگزاری ج ۱۰۱۰ نیز برای آنکه خدشای به این مناسبات وارد نگردد سر کوب مردم پاکستان را عادی جلوه گر ساخته و میگوید:

"به همین مناسبت (منظور تظاهرات مردم پاکستان علیه ضیا الحق است) ارتش مجبور شد نظم را برقرار سازد"!! (اطلاعات، ۲۰ شهریور ۶۲).

در واقع این ملاقاتهای گرم با رژیم آمریکا زده پاکستان، که زیر شریبه مبارزات مردم در حال سقوط است، در حکم یازدهی از دیدار ژنرال ضیا الحق در زمان اوج جنبش مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و به منظور کمک به بقای آن است. مردم ایران و پاکستان شاهدند که چگونه ج ۱۰۱۰ مبارزات ملت را نادیده میگیرد و از هر توجیهی برای دستیابی به مناسبات گسترده با رژیمهای دیکتاتوری و امپریالیستی استفاده میکنند.

خیال پرستی بیمارگونه

مادر "راه توده" شماره ۵۷ نوشته بودیم که "نخوت و غرور یکی از بیماری های مزمن و خطرناکی است، که مقامات جمهوری اسلامی مدتهاست بدان مبتلایند" در کنار این بیماری بیماری دیگری نیز وجود دارد که آنهم مدت ها است دامن سرکردگان جمهوری اسلامی را فرا گرفته است: بیماری خیال پرستی!

خیال پرستی شونستی یک بیماری تاریخی طبقاتی است. مقامات جمهوری اسلامی جهت فرار از واقعیات سخت و دردناک، به امیدهای واهی پناه می برند، تا بدینوسیله، هم خود را راضی کنند و هم افکار ملت ایران را از واقعیات جامعه و فاجعه ای که در حال وقوع است، منحرف کنند:

"ما باید ارتش بزرگ جهانی اسلام را تشکیل دهیم... تا این لیاقت و شایستگی را پیدا کنیم... (تا) در ستیز با کفر جهانی

پرچمدار عدالت باشیم" (فرمانده کل سپاه پاسداران، اطلاعات، ۱۷ شهریور ۶۲).

اگر خیال پرستی افسار گسیخته را بسا کودنی سیاسی در آمیزیم، معجون بدست می آید بنام تراوشات مغزی "ملی گرایان شونستی از نوع فرمانده کل سپاه پاسداران! فرمانده سپاه پاسداران و همپانگی هایش چه گلی بسر سر عدالت در جامعه ایران زده اند که پرچمدار آن در سطح جهان هم باشند؟! ... دولت جمهوری اسلامی ایران

موظف است سیاست خارجی خود را بر پایه افتتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش بکند به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد... آنوقت تشکیل واحد سیاسی بزرگ جهانی تحت لوای اسلام امری طبیعی خواهد بود" (اطلاعات، ۱۷ شهریور ۶۲).

این حکومت اسلامی چیزی جز حکومت جمهوری اسلامی ایران، که به قتل و آرزوی رئیس جمهوری "به سمت انسجام نیروهای مسلمان پیش می رود" نمی تواند باشد!

زمانی پرچم "اتحاد اسلام" را شاهانی از نوع عبدالحمید، امپراطور عثمانی، و ناصرالدین شاه، سلطان مستبد قاجار، هر چند ی یکبار به حرکت در آوردند و اکنون دولت مرجع عربستان - سعودی برای استفاده از اسلام به منظور مبارزه علیه طرفداران ترقی اجتماعی و برپایه مخالفت با کمونیسم، تنبیر "پان اسلامیم" را گرم نگهداشته است.

خیسا لبرداری بیمارگونه آینده وحشتناکی را برای خلقهای میهن ما ترسیم می کند، آینده ای که در آن جوانان سر و قد به عنوان گوشت دم توپ سرکردگان جمهوری اسلامی برای جهان گشائی و ایجاد "واحد بزرگ جهانی تحسنت لوای اسلام" آنها جان بسپارند!

حرف تو حرف

امید کاذب!

"ما امید داریم در این آباد بپناه کفشت و زرع، بیشتر و ظالم دستش قطع شود و مملکتی داشته باشیم که همه جا، به حق خود برسند... (آیت الله مهدوی کنی، اطلاعات ۱۴ شهریور) - به همین امید "هم، لایحه اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را در زمان عضویت خود، در شورای نگهبان رد کردید!

سر ضیاء الحق سلامت!

"رهبر اتحاد به مسلمانان پاکستان در زندان بطرز مشکوکی جان سپرد" (اطلاعات، ۱۴ شهریور).

- جمهوری اسلامی: سر ضیاء الحق سلامت! ... ما که طبق سیاست "نه شرقی، نه غربی" قرارداد های پنهان را می بندیم!

از تاریخ پیام‌موزیم

اعلامیه‌ای از طرف دانشجویان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند به مناسبت کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد تحت عنوان "از تاریخ پیام‌موزیم" به دست ما رسیده است. "راه توده" در زیر قسمتهای آژان را برای اطلاع خوانندگان خود نقل می‌کند.

در اعلامیه با اشاره به کوشش امپریالیسم و ارتجاع برای "تحریف تاریخ جنبشهای انقلابی" که بمنظور ضربه زدن به "اتحاد نیروهای ملی و ضد امپریالیست با جنبش کمونیستی" انجام می‌شود، به تلاش این محافل برای تحریف تاریخ جنبش انقلابی ایران اشاره میشود:

"برای تحریف تاریخ جنبش انقلابی ایران و بیوژنه تلاش... برای سیاه کردن چهره درخشان و فداکار کمونیستها و جلوگیری از اتحاد همه نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی بسیار شدید است. خروارها کاغذ علیه حزب توده ایران و علیه کشورهای سوسیالیستی سیاه شده و طی دوره سیاه ۲۵ ساله پس از ۲۸ مرداد دها گرو و ضد انقلابی فقط به قصد لجن پراکنی ضد کمونیستی مثل قارچ برتنه پوسیده ساواک روئیده و پس از مدتی خرابکاری از میان رفته‌اند تا جای خود را به دیگری واگذارند."

در اعلامیه به "پایه تبلیغاتی کودتا" که آنرا هیاهوی "خطر شوروی" و "خطـر

تود مایها" تشکیل میداد اشاره می‌شود، که موجب بی‌سرانجامی وحدت خلق گشت و نیروهای ملی که خود را مسلط می‌پنداشتند "همکاری (با) حزب توده" اینسران را برای مقابله با خطر واقعی رد کرد (ند) کودتای شوم موفق شد.

سپس از کوشش هیئت ارتجاع برای ناپودی فیزیکی حزب توده ایران صحبت میشود، که علیرغم "اعدام، زندانی و تبعید نمودن" اعضا و فعالین آن، بی‌ثمر ماند:

"خون سرخ شهیدان توده‌ای برای آن جاری شد که امواج سیاه نفت بار دیگر بسوی غرب جریان یابد. فرزندان مزدک و بابک، محیدر عواقلی و ارانی یعنی سیامکها، کیوانها، میشری‌ها، وکیلها، روزیسه‌ها و... به شکنجه‌گاهها و میدانهای تیر فرستاده شدند تا حاکمیت مطلق امپریالیستها را بر حیات ملی ما مسلط کنند. برای شکست جنبش انقلابی مردم مبارز میهنمان ابتدا از حزب توده ایران شروع کردند، آنرا "جاسوس" و "توطئه‌گر" خطاب کردند و بدین وسیله "غیرقانونی" و "منحله" اعلام نمودند. و اضافه می‌کنند:

"امروز هم عناصر نفوذی و عمال امپریالیسم، ساواکهای به جمهوری اسلامی پیوسته و راست‌گرایان برای شکست انقلاب ضد امپریالیستی و مزی

میهنمان از حزب توده ایران آغاز کرد هاند. آنان برای خدشه دار کردن مشی انقلابی حزب توده ایران - حزبی که در راه تحقیق عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و زحمتکشسان ایران، قاطعانه و خستگی ناپذیر تمامی توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و راستگرایان را افشا نموده است - اسنادی "از زباله دان تاریخ بیرون میکشند. دشمنان انقلاب و مردم و اجسرا کنندگان طرح "برزیسکی" این باز هم همان جعلیات سیا ساخته و اتها مات قالبی ساواک را علیه حزب توده ایران براه انداختند تا به آسانی بتوانند روند نزدیکی پسه غرب را تسریع نمایند و فارتگران کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را حاکم گردانند."

در خاتمه با اشاره به فراخوانهای متعدد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبنی بر لزوم ایجاد "جنبه متحد خلق" مسئولین جمهوری اسلامی ایران افشا می‌شوند، که:

"بر هکس بجای فراگیری از تجارب ۲۸ مرداد، راه تفرقه، راه شوروی ستیزی و کمونیست ستیزی و "راه سوم" را در پیش گرفتند و زمینه را برای برگشت انقلاب و غلبه راستگرایان و مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان هموار کردند."

اعلامیه با شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا" برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق پایاب می‌یابند.

نامه خوانندگان

نامه‌ها و اشعار زیادی از رفقا و دوستان به بدست ما رسیده است. "راه توده" کوشش خواهد کرد که بتدریج محتوای نامه‌ها و اشعار رسیده را چاپ کند. بخشی از اشعار و نامه‌ها بقرار زیرند:

دوست گرامی

ح - غ

نامه کوتاه شما با کاریکاتورها و شعر رسید. از آنها بوقع استفاده خواهیم کرد. خوشحال می‌شوم، اگر امکان تماس متقابل با شما بوجود آید.

x مجموعه شعری تحت عنوان "زندگی" توسط سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پاکستان در تقدیم به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رسیده است.

x از دوست مسلمانی با نام مستعار حمید نامه‌ای درباره "رفتار ناجوانمردانه حکومت جمهوری اسلامی با تود مایها" بدست ما رسیده است.

خاطره شهید سعادت گرامی باد!

لذا با سوء استفاده از شرایطی که بعد از پرتو کناری بنی‌صدر در کشور حکمفرما شده بود، در سپیده دمی خونین او را به جوخه اعدام سپردند. آنها تلاش داشتند با پرونده سازی و استناد به اتهاماتی بی‌اساس و اعدام سعادت و نیروهای وفادار به آماجهای انقلاب مرعوب کرده و از ادامه راه خود بازمان دارند.

قشربین مرتجع و راستگرایان، امروز نیز این شیوه و حره زنگ زده و رد یلانه را علیه کلیه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک بکار می‌گیرند، ولی اگر آنها به رسوائی و شکست نهائی بکاربرندگان چنین شیوه‌ها و حره‌هایی واقف نیستند، تاریخ این را نشان داده و نشانشان خواهد داد.

ما ضمن بزرگداشت خاطره شهید سعادت و همه نیروهای ضد امپریالیست وفادار به اهداف انقلاب مردمی ۲۲ بهمن - با هر گرایش عقیدتی و ایدئولوژیکی - دعوت میکنیم، که با تشکیل جنبه متحد خلق در جهت بسیج همه نیروها علیه توطئه راستگرایان و قشربین مرتجع در به شکست کشاندن انقلاب شکوهمند مردم میهن، اقدام نمایند.

پیش از ۲ سال از شهادت محمد رضی سعادت میگذرد. او در ششم مرداد ۱۳۶۰ درون زندان اوین بخاطر جرمی، که مرتکب شده بود، تیر باران شد.

سعادت هنگام تیرباران به علت اتهام واهی جاسوسی برای اتحاد شوروی، که در اوائل سال ۵۸ بدان محکوم شده بود، مشغول گذراندن دوران ده ساله محکومیت خود بود.

سعادت قبل از پیروزی انقلاب سالها در زندان های شاه - ساواک بمر برده بود، ولی مدتی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مجدداً به بلست پرونده سازی نیروهای قشری و راستگرایان درون حکومت، مجبور شد بهترین سالهای عمر خود را در زندان بسر ببرد. ولی این نیز راستگرایان و قشربین را ارضاء نکرد. آنها هیچگونه حقی، حتی حق حیات، برای نیروهای دگراندیش وفادار به آماجهای انقلاب مردم قائل نبودند. سعادت به رغم ظلمی، که بر او رفته بود به آرمانهای انقلاب وفادار ماند و تا آخریسن لحظات عمر نیز استوار بر سر میثاقی که با خلق خود بسته بود پایمردی کرد. راستگرایان و قشربین نمی‌توانستند این "جرم" او را ببخشند،

جبهه متحد خلق: تاکتیک...

بقیه از صفحه ۶

شرکت کننده در جبهه متحد خلق را نمی توان از پیش شرط شرکت در جبهه متحد خلق قرار داد. انقلاب خود رهبر خویش را برمیگزیند.

البته در جریان رشد و گسترش انقلاب ممکن است حالتی پیش بیاید که در آن اجرای برنامه انقلاب جز با پذیرش و تقویت حاکمیت این یا آن نیروی انقلابی ممکن نباشد. اما این نیز امری نیست که یکی از نیروهای جبهه متحد خلق به قیومیت مردم در مورد آن تصمیم بگیرد. خلق خود در جریان کار و بیکار تصمیم خود را خواهد گرفت و نیروهای وفادار به خلق ناگزیر از پذیرش آن خواهند بود.

برای نمونه در انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران رهبر برنامه مورد توافق همه نیروهای انقلابی راستین از آغاز، سرنگون کردن رژیم جنایتکار سلطنتی، قطع وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، پایان دادن به غارت سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ، تأمین آزادی همه نیروهای انقلابی و پیشرفت جامعه به سود زحمتکشان بوده و هست. این برنامه بیانگر منافع اکثریت قاطع خلق های ایران است.

در انقلاب های سوسیالیستی، که در آن ها خواست و برنامه مشترک اکثریت قاطع خلق، ساختمان سوسیالیسم با رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر است، باز هم تاکتیک بنیادی پیروان سوسیالیسم علمی تشکیل جبهه متحد خلق است. شرط اساسی شرکت در جبهه متحد خلق پذیرش برنامه و آرمان مشترک خلق است. پذیرش رهبری حزب کمونیست نیز تابع همان قانونمندی عام است. همه نیروهایی که این شرایط قانونمند را بشناسند

و بپذیرند، می توانند با شرکت در جبهه متحد خلق آزادانه به ساختمان سوسیالیسم و اجرای برنامه انقلاب بپردازند.

تجربه شصت ساله سوسیالیسم واقعا موجود خود بهترین شاهد این مدعا است. در نخستین دولتی که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت به رهبری لنین در روسیه انقلابی بر سر کار آمد، "سوسیال - رولوسونیر - های چپ" نیز که در آن زمان خود را هنوز در اجرای برنامه انقلاب متعهد می دیدند، در دولت انقلابی شرکت داشتند و تنها زمانی کنار گذاشته شدند که علیه برنامه و رهبری مورد قبول خلق توطئه کردند. امروز میلیون ها مسلمان انقلابی در کنار میلیون ها مسیحی انقلابی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آزادانه و فعالانه برنامه انقلاب را، که منافع خلق شوروی را تأمین می کند، اجرا می کنند.

دموکراسی های خلقی اروپا را همه ها دولت های ائتلافی خلق اداره می کنند. مثلا در جمهوری دموکراتیک آلمان، رهبران چهار حزب غیر کمونیست - که یکی از آن ها حزب دموکرات مسیحی است - معاونان رئیس شورای دولتی (رئیس جمهور) هستند.

در این کشورها جبهه متحد خلق به شکل ویژه ای مراحل مختلف انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را به هم پیوند زده است.

برای پیروان راستین سوسیالیسم علمی، کوشش در راه تشکیل جبهه متحد خلق، یک تاکتیک کوتاه مدت نیست، تاکتیک است که ابعاد استراتژیک دارد. کوشش حزب توده ایران در راه تأمین اتحاد همه نیروهای انقلابی به امروز و فردای انقلاب محدود نمی شود. ما شک نداریم که می توانیم با بخش عظیمی از پیروان اسلام راستین انقلابی، اسلام مستضعفان و استثمارشوندگان، در دوران ساختمان سوسیالیسم نیز اتحاد صمیمانه و استوار خویش را حفظ کنیم.

نکاتی چند پیرامون تجارب انقلاب شیلی

بقیه از صفحه ۵

هر چند نمی توان نادیده گرفت، که تمام احزاب اوئیداد پوپولار در تدارک پیروزی سال ۱۹۷۰ و تحکیم دولت آینده سهیم بودند، اما این نیز غیر قابل انکار است که حزب کمونیست شیلی مبتکر انقلاب شیلی بوده است. حزب ما سالیان دراز بطور خستگی ناپذیر برای وحدت همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد اولیگارشی پیرامون طبقه کارگر مبارزه نمود و بر لزوم اجزای سریع تحولات انقلابی تأکید نموده است. حزب کمونیست خصلت انقلاب و سیاست وحدت را به گونه ای صحیح تدوین نمود. حزب ما به هنگام پیاده کردن این خط سیاسی، که صحت خویش را در عمل به اثبات رسانده بود، بطور پیگیر از سوی با چپ روها، که این سیاست را مورد تردید قرار داده و جبهه متحد را رد میکردند و از سوی دیگر بر علیه نیروهای راستی که خط سازش با دشمن را در پیش گرفته بودند، مبارزه می نمود.

حزب کمونیست معتقد بود، که تنها با تحکیم صفوف خویش و گسترش نفوذ در میان توده ها قادر به انجام رسالت خویش بعنوان پیشاهنگ طبقه کارگر نبوده، بلکه باید راههایی برای تفاهم با سوسیالیست ها و دیگر احزاب اوئیداد پوپولار را نیز پیدا کرد.

خصوصیات انقلاب و قانونمندی های عام

تجربه انقلاب شیلی با وجود ویژگی های خاص خود (که مانند هر انقلاب دیگر محدود نیست)

مشغول تبلیغ در میان نیروهای نظامی بود ه است.

انسان از اشتباهات می آموزد. حزب ما نیز مانند دیگر احزاب اوئیداد پوپولار در سه سال فراوانی از این انقلاب فرا گرفته است. طبقه کارگر و مردم شیلی از این تجارب و نیز از تجارب دیگر احزاب و خلقها آموخته و خواهد آموخت و تئوری انقلابی را کسب خواهد کرد.

چرا خلق شیلی به پیروزی ایمان دارد؟

ما نه فقط در گذشته از پشتیبانی بی حد و مرز اتحاد شوروی در اردوگاه سوسیالیسم برخوردار بودیم، بلکه امروز نیز آنرا از نزدیک لمس میکنیم. جنبش همبستگی با مردم شیلی در تمام قاره ها شگوفان شده و در آن نیروهای وسیع دموکراتیک شرکت میکنند. در سالهای که در شیلی خلقان وحشتناکی حکمفرما بود، تحولات عمیقی چسبون پیروزی خلقهای ویتنام، آنگولا، شکست حکومت های دیکتاتوری در پرتغال، یونان و اسپانیا و نیز فروپاشی مستعمرات پرتغال بوقوع پیوسته است. تمام اینها اهمیت تأثیر نقش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و منتشر ناسیونالیسم پرولتری و همبستگی بین المللی را فراهم ساخته است. این تحولات نشان دادند که جهان در جهت تکامل و نه در جهت رجعت، تحول پیدا می کند.

ایمان راسخ خلق شیلی به پیروزی، بر این مبنا و در درجه اول بر مبارزه خویش استوار است. خلق ما فاشیسم را در هم شکسته و نظام نوین دموکراتیکی را بنا خواهد نهاد و از نو راه گذار به سوسیالیسم را که با ریاست جمهوری آئند به درگاه آن پا نهاد، ادامه خواهد داد.

نیست)، نمیتواند هیچکدام از آموزشهای اساسی مارکسیسم - لنینیسم را زیر علامت سوال قرار دهد. برعکس، آنها با تجربیات ما تأیید شدند. تحلیل دقیق و همه جانبه روند انقلاب شیلی در مجموع نشان میدهد که قانونمندیهای انقلابها حقانیت خویش را حفظ می کنند. پیروزی های ما در درجه اول، نتیجه توجه به اینست قانونمندیها، و شکستهای ما نیز نتیجه عدم درک خصوصیات خاص انقلاب و توجه نکردن به آنها بوده است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی اشتباهات و نارساییها را بررسی کرده و بخصوص بر د و اشتباه تأکید نموده است:

اولا - حزب ما، که خط سیاسی خود را برای روند اولیه دستیابی به قدرت سیاسی و مرحله اول فعالیت دولت خلقی به درستی تدوین کرده بود، نتوانست برای تصرف کامل قدرت و گذار انقلاب به مرحله بعدی، که امکان فرا رویی به سوسیالیسم را فراهم میکرد، به دقت سیاست لازم را تدوین نماید؛

ثانیا - حزب ما سیاست مناسبی در مورد نیرو های نظامی تدوین نکرده بود.

ما می بایست با کار پیگیر خویش تصورات غلطی را که در مورد طبقه کارگر و اوئیداد پوپولار، در نیرو های نظامی وجود داشتند از بین برده و امکان ترویج بی خدشه اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم در بین توده های مردم را فراهم می ساختیم. باید اعتراف کنیم که دشمن در این میان بطور پیگیر



سیاست بازنشستگان و سازنده

در مرکز مطبوعاتی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی يك کنفرانس مطبوعاتی پیرامون مسئله محدود کردن جنگ افزارهای هسته‌ای در اروپا تشکیل شد. گنرگی کرینیکو، معاون وزارت امور خارجه اتحاد شوروی، در آغاز این کنفرانس چنین گفت:

"روز ششم سپتامبر در ژنود در تازه گفتگوها میان اتحاد شوروی و آمریکا آغاز گردید. این بطور ساده يك دور جدید از گفتگوها نیست، بلکه باید آنرا دور سرنوشت ساز نامید. اگر توافق میان طرفین حاصل نشود، مرحله تازه خطرناکی از مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در اروپا آغاز خواهد شد که به اروپا هم محدود نخواهد ماند. دستیابی به يك موافقت نامه و یا شکست مذاکرات وابسته به موضعگیری ایالات متحده آمریکا است. اتحاد شوروی همچنان برای پاك کردن واقعی اروپا از وجود سلاحهای هسته‌ای آماده است. اگر دولت آمریکا با این راضی موافقت نکند، اتحاد شوروی آماده است که راه حل کمتر بنیادی ولی بهتر حال با دورنمای اجتناع دو طرف از استقرار سلاحهای تازه، هسته‌ای در اروپا را بیابد. روشن است که در هر دو حالت باید تمام سیستم‌های موجود، هم موشک و هم هواپیماهای حامل سلاح هسته‌ای و تعداد انکلاک‌های اتمی که حمل می‌کنند در حساب وارد شود."

رد کردن چنین پیشنهادهایی که برپایه برابری یکسانی امنیت دو طرف تهیه شده تنها از جانب کسانی میتواند باشد که بطور کلیسی

پایان کار بگین

خواهان بستن قرارداد نیستند. شش سال پیش مناخیم بگین با وعده‌های "صلح" و "رونق اقتصادی" به نخست‌وزیری اسرائیل رسیده بود. امروز با وجود بحران اقتصادی و سیاسی‌ای که اسرائیل را فرا گرفته، استعفاي او تحت فشار افکار عمومی اسرائیل، تعبیری ندارد جز شکست آن وعده‌های پیچ.

بیطریق آمس‌تار، انستیتی ملی بیمه در اسرائیل تعداد کسانی که زیر مرز فقر مزمن زندگی می‌کنند در دوران حکومت بگین دو برابر شده است. تورم به ۱۴۰ درصد رسیده و تراز منفی واردات و صادرات از مرز ۵ میلیارد دلار هم گذشته است.

و اینک پس از شش سال حکومت، که طی آن مردم اسرائیل تحت سخت‌ترین شرایط و آزمایش‌ها قرار گرفتند، مناخیم بگین خسته و بی‌ایمان و بدون هر گونه علاقه به زندگی سیاسی استعفا داد. بگین که میبایست استعفاي خود را شخصا به رئیس‌جمهوری بدهد، این سنت را نیز زیر پا گذاشت و یکی از منشی‌های دولت را مأمور ارائه آن کرد!

استعفاي بگین بوضع نامطمئنی که از ۱۸ روز پیش از آن پیرامون مسئله دولت او مطرح شده بود پایان داد.

مناخیم بگین پس از اینهمه جنایت علیه خلق عرب فلسطین یا یاس و نومییدی بگوشتهای خزیسند ولی صهیونیست‌های همکار امپریالیسم آمریکا از قبیل اسحاق شامیر، که اکنون جانشین بگین شده است، همچنان به سیاست نزاد پرستانه خود، که نه تنها خلق‌های عرب بویژه خلق عرب فلسطین، بلکه خود اهالی اسرائیل را هم تهدید می‌کند، ادامه می‌دهند. امسا پایان کار جنایتکاران جز سرخوردگی و نومییدی چیز دیگری نخواهد بود.

تجاوز و توسعه طلبی آمریکا دیگر حدود مرزی نمی‌شناسد

بقیه از صفحه ۷
ندارد. بخصوص که دستگاه اداری ریگان همواره دمشق را مانع عده بر سر راه تحقق نقشه‌های سیاسی - نظامی آمریکا در منطقه ارزیابی می‌کرده است.

لبنان قربانی تحقق نقشه‌های آمریکا برای نفوذ و استقرار در خاور نزدیک شده است. تجاوز اسرائیل در سال گذشته که دهها هزار تن فلسطینی و لبنانی قربانی آن شدند با تأیید و همکاری نزدیک آمریکا صورت پذیرفت. این تجاوز راه را برای اعزام سربازان آمریکایی به لبنان گشود. هجوم اسرائیلی به لبنان عملاً به تبدیلی این کشور به پایگاه نظامی آمریکا در منطقه و سرپلی برای عملیات تجلوی تازه علیه کشورهای عربی و خفه کردن جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در آنها کمک کرد. بی‌جهت نیست که آتش‌تویهای آمریکایی بروی مینهن پرستان لبنان گشوده شده است. در حالیکه موافق نظر مسروا نخست‌وزیر فرانسه چنین چیزی در مأموریت نیروهای چند ملیتی وجود ندارد که جانب یکی یا دیگری را در جنگ داخلی لبنان بگیرند.

تجاوز انضمام طلبانه آمریکا در خاور نزدیک اکنون يك واقعیت است که بر اثر آن نه تنها آینده لبنان بعنوان يك دولت مستقل دارای حق حاکمیت بخطر افتاده، بلکه تشنج در منطقه را نیز ببنحو خطرناکی افزایش داده است.

مردم لبنان قریب این تبلیغات مشکوک را نخواهند خورد!

بقیه از صفحه ۷
روز، نابود کردن همه بسندیکاهای کارگری و اتحادیه‌های دهقانی، بازگشت مجدد سرمایه‌داران دوران شاه‌محو فرهنگ و هنر ملی ایران، همه و همه علی شده است و کشور را تبدیل به يك قبرستان بزرگ کرده‌اند. البته اگر سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های لبنان قریب اینگونه تبلیغات امپریالیستی توسط رسانه‌های گروهی حاکمیت ایران رامیخوردند نه وحدت مردم لبنان لطمه وارد میشد. ولی نیروهای مترقی کوچک اندیش نیستند و علمی و طبقاتی فکر می‌کنند. آنان می‌دانند آنچه که انقلاب ایران را رویه شکست سرد مسئله اسلام و غیر اسلام نیست، بلکه عمال سرمایه‌داران بزرگ و کلان زمین‌داران و مأموران سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی با ریش گذاشتن و تسبیح بدست گرفتن مانع از آن شدند که انقلاب شکوهمند بهمین تبدیل به يك انقلاب اجتماعی شود و بدین ترتیب آنرا بنام "اسلام" مسخ و خفه کردند. بخصوص که همین حاکمیت باصطلاح ضد "شیطان بزرگ" در جنگ اعلام

نشده علیه افغانستان دست در دست امپریالیسم آمریکا دارد و شب و روز در "صدای جمهوری اسلامی" دم از پیروز یهای مجاهدان افغانی (یعنی مأموران "سیا" و مزدوران خود فروخته به ارتجاع و استعمار) میزند.

پس آنچه که در ایران اتفاق افتاده ناشی از عقاید اسلامی توده‌های مردم نیست، بلکه وابستگی‌های طبقاتی حاکمیت جمهوری به طبقات فارتگرو پهره‌کش موجب آن شده است.

مردم لبنان اعم از مذهبی و غیر مذهبی، مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و سنی، سوسیالیست و کمونیست میتوانند دست در دست هم با دشمن خارجی بجنگند. تنها باید مواظب باشند که عمال کینه و نوی امپریالیسم که سالهای سال در آب نك خوابانده شده‌اند و چه بسا ردای روحانیت بدوش دارند، موش‌دو آشنیند ازند و خود را شریک جا نزنند!

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در لوس آنجلس هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

کیا از آمریکا ۱۲۵ دلار

RAHE TUDEH

No. 60

Friday, 23 Sept. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	U.S.A.	40	Cts.
3	Fr.		
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

